کانون معلولین توانا

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی

# پیک توانا

ISSN 2008-7101

نشریه الکترونیک پیک توانا- شماره نهم

## تولید آزمایشی ویلچر همتراز با استانداردهای جهانی در قزوین

## بهزیستی؛ مادری که صلاح فرزندش را نمی‌داند

## جشنواره تجلیل از دانش آموزان ممتاز امسال به صورت کشوری برگزار می‌شود

دبیرخانه جشنواره
تشویق دانش آموزان ممتاز
festival of top students
کانون معلولین توانا
۲۲
سیزدهمین جشنواره
دانش آموزان ممتاز
زمان برگزاری:
مرداد ماه ۱۳۹۹
دبیرخانه مرکزی: قزوین، کمربندی شهید بهشتی، نرسیده
به میدان قدس، کانون توانا تلفن: ۳۳۳۴۵۲۲۲-۰۲۸
ثبت نام به صورت اینترنتی است
محورهای شرکت در جشنواره:
بخش علمی - پژوهشی
ابتکار، خلاقیت و نوآوری
موفقیت تحصیلی
فعالیت گروهی و مشارکت اجتماعی
مهارت ورزی ...
تا پایان شهریور۹۹
تمدید شد
فیروز
مارینا پارک خزر
توان
استانداری قزوین
آموزش و پرورش استان قزوین
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین
شهرداری قزوین
پارک علم و فناوری استان قزوین
اسکن کنید
جهت ثبت نام به سایت اینترنتی
www.tavanafestival.com مراجعه نمایید

**صاحب امتیاز:** کانون معلولین توانا
**مدیر مسوول:** محمدرضا هادی‌پور

شورای سیاست گذاری:
حجت‌اله یوسفی، سید اکبرحسینی، محمدحسن هادی، مرتضی رویتوند
سردبیر: رقیه بابایی
هیئت تحریریه:
مرتضی رویتوند، معصومه آمِدی، میترا بهرامی، مهدیه برنگ، نفیسه کلهر
گرافیک و صفحه آرایی: زهرا آبی پور
عکس: میثم کلانتری
عکس روی جلد : داوود ایزدپناه
با تشکر صمیمانه از همکاری این عزیزان:
مرضیه کریمی، مهدیه برین، مریم ایوبی، منیر رمضانی، و سایر همکاران

نشانی دفتر ماهنامه :
قزوین - بلوار شهید بهشتی - نرسیده به میدان قدس
کانون معلولین توانا - دفتر ماهنامه پیک توانا
صندوق پستی: ۳۴۱۸۵-۳۴۶۳
تلفکس :۰۲۸-۳۳۳۳۹۲۱۲
شماره پیامک : ۳۰۰۰۷۵۴۵

* خواهشمند است نوشته ها و عکس های خود را ( با موضوع معلولیت) از طریق پست الکترونیکی Info@irantavana.com و یا صندوق پستی ۳۴۱۸۵-۳۴۶۳ ارسال کنید و از اینکه مسوولیت آثارتان را به عهده گرفته و ویرایش نهایی را به ما می سپارید، سپاسگزاریم. مقاله ها، مطالب، و عکس های ارسالی شما نزد ما به یادگار می ماند و بازگردانده نمی شود.
* استفاده از مطالب پیک توانا، تنها با ذکر منبع امکان پذیر است.
* درج نظریه‌ها، عقاید و به ویژه آگهی در این مجموعه به معنای تأیید آن از سوی مسوولان مجله نیست. بررسی، تحقیق و اطمینان از درستی آن، به عهده شما عزیزان است.

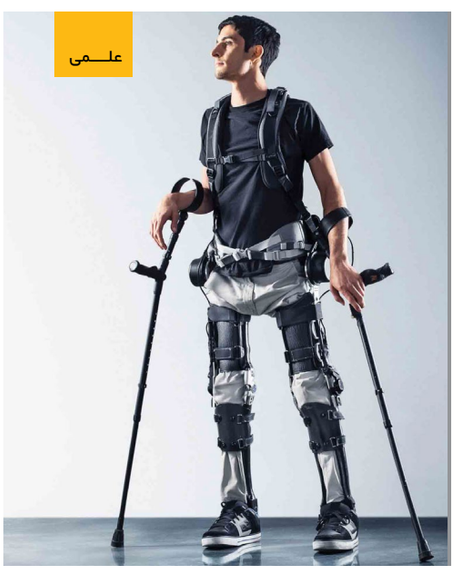

# بهزیستی؛ مادری که صلاح فرزندش را نمی‌داند

رقیه بابایی

در حالی که ایجاد اشتغال برای افراد دارای معلولیت، عالی‌ترین درجه توانمندسازی و منتهای خواست کارشناسان حوزه توانبخشی است و این اصل به اندازه‌ای حائز اهمیت است که سازمان جهانی بهداشت می‌گوید: معلولی که شغل داشته باشد، معلول نیست؛ اما سازمان بهزیستی در ایران فاقد این نگاه است.

نگاه بهزیستی بیش از آنکه به استقلال و توانمندسازی افراد دارای معلولیت معطوف باشد به حمایت‌های مالی ولو اندک اما وابستگی‌آور متمرکز است و تاکنون تحرکی از این سازمان برای رفع بیکاری معلولان دیده نشده.

سازمان بهزیستی در سال ۱۳۹۷ دوهزار و ۴۵۰ میلیارد تومان بودجه داشت که از این میزان فقط چهل میلیارد تومان یعنی کمتر از ۲ درصد کل بودجه به اشتغال معلولان اختصاص داده شد.

در سال ۱۳۹۸ نیز بودجه این سازمان به دو هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان رسید، بااین‌حال آنچه به اشتغال معلولان اختصاص یافت یکصد میلیارد تومان یعنی کمتر از ۴ درصد کل بودجه سازمان بود.

این رفتار به آن معناست که سازمان بهزیستی، به‌عنوان تنها متولی امور معلولان در کشور حتی نیم‌نگاهی به توسعه بسترهای کارآفرینی برای معلولان و به‌معنای واضح‌تر علاقه‌ای به توانمندسازی این طیف ندارد.

توانمندسازی تاکنون دغدغه رئوس مدیریتی سازمان بهزیستی نبوده و ظاهرا این سازمان رسیدن به این مقصود را در عبور از مسیر اشتغال نمی‌بیند؛ این درحالی‌است که فرآیند توانمندسازی بدون شغل‌آفرینی کامل نمی‌شود.

سازمان بهزیستی هم‌اکنون سالانه حدود ۵۵ میلیارد تومان برای پرداخت شهریه دانشگاه دانشجویان دارای معلولیت هزینه می‌کند، تمام این دانشجویان به امید داشتن شغلی در آینده پای در رکاب تحصیل گذاشته‌اند و اگر بهزیستی بر همین مدار پیش رفته و برای اشتغال این افراد برنامه‌ای مدون نکند علاوه بر هدر دادن منابع و اعتبار هزینه شده در این حوزه، در آینده‌ای نزدیک رسالت خود و فرآیند توانمندسازی معلولان در جامعه را با شکست مواجه خواهد کرد.

اما اگر دولت با مطالعه کافی منابع خود را به مهارت‌آموزی، حرفه‌آموزی و آموزش منجر به اشتغال معلولان معطوف کند و بستر اشتغال را برایشان فراهم سازد تا همیشه از حمایت و تامین هزینه‌های جوانب مختلف زندگی آنها فارغ خواهد بود، ضمن آنکه فرد معلول نیز به نقطه برابری با سایرین رسیده و این یک رویداد بردابرد است.

معنای این سخن در عادی شدن سبک و سیاق زندگی فرد دارای معلولیت است. قطعا افراد دارای معلولیت برای اجرای مشاغل مختلف آموزش‌ها و مهارت‌هایی را فرا می‌گیرند و پس از رسیدن به جایگاه شغلی با برخورداری از شغل و به تبع آن درآمد و استقلال مالی، برای همیشه از حمایت اطرافیان و نهادهای دولتی و خیریه بی‌نیاز شده و به مرور خود را صاحب شخصیت مستقل و توانا به تهیه نیازمندی‌های خود می‌بینند.

از اینجا به بعد فرد معلول تفاوتی با سایرین نخواهد داشت و مانند سایر شهروندان و با تکیه به درآمد مالی خود قادر به تشکیل خانواده، تامین مسکن، خودرو، رفع نیازهای درمانی و تهیه زیرساخت‌های یک زندگی عادی خواهد بود.

و این همان رویکرد ارزشمند و انسان‌محوری است که ساختار و سیستم جامعه ما از تدوین برنامه‌ها و تخصیص بودجه‌ها گرفته تا کارهای عملیاتی فاقد آن است.

در ایران، رویکرد دولت در مورد معلولان هرگز رنگ و بوی ایجاد عزت‌نفس، حس مفید بودن و ارتقای معلولان به سکوی برابری با آحاد جامعه نداشته و متاسفانه سازمان بهزیستی نیز کمتر مدیرانی را به خود دیده که خواهان پایان بخشیدن به نگرش صدقه‌محوری و توانمندسازی واقعی معلولان باشد.

به‌عبارتی سازمان بهزیستی سال‌هاست حمایت را پیشه اصلی خود قرار داده و فراموش کرده صلاح فرزندانش در گرو استقلال و رها شدن از وابستگی‌های خرد مقیاس مایوس‌کننده است.

بهزیستیِ، مادری است که پس از سال‌ها یادش رفته فرزندش را از شیر مادر ناامید کند تا بتواند طعم خوراک متناسب با سن او را به او بچشاند.

# اجتماعی

# زیست سالم اجتماعی

زندگی‌کردن در قرن بیست ویکم، درگیری و دغدغه‌های خود را برای مردم سراسر دنیا به همراه دارد، ما در دوره ای بد بینانه زندگی می‌کنیم علاوه بر نگرانی از پیامدهای احتمالی گرم شدن زمین، تصور اینکه بسیاری از جوامع، علی رغم موفقیت‌های مادی، به طور روز افزون ناکامی‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند آسان است.

چه طور می‌شود که ما علی‌رغم ثروت و رفاه بی‌سابقه در تاریخ انسانی این همه مصیبت و گرفتاری عاطفی، ذهنی و اجتماعی خلق کرده‌ایم؟ غالبا آنچه نبودش در سال‌های اخیر پیش از پیش احساس می‌شود، نیاز به یک زندگی نسبتا آرام و بادوام است.

روشن است زندگی در جوامع، شهری و روستایی الزامات خود را دارد که می‌توان به طور کلی آنها را در، نظم اجتماعی، ارتباطات فردی و جمعی و قواعد شهرنشینی خلاصه کرد تضاد بین کامیابی مادی و ناکامی اجتماعی در بسیاری از کشورهای ثروتمند چراغ راهنمای بسیار مهمی است.

مسیر حرکت توسعه و پیشرفت در دنیای امروز سرعت روز افزونی به خود گرفته است، در این میان اگر تصمیم گرفته باشیم بر موج‌های همواره خروشان آن سوار شده و از مسائل روز تنها به نفع خود استفاده کنیم عاقبت چه می‌شود؟ هرکسی در جهان تنها به خودش فکر می‌کند و برای موفقیت خودش برنامه ریزی می‌کند بدون آنکه لحظه ای فکر کند که دیگران چه نیازهایی دارند؟ که نقش او دراین جهان چیست؟ اگر چنین باشد نه تنها سنگ روی سنگ بند نمی‌شود بلکه جهان را موجی از افکار و عقاید نادرست فرا می‌گیرد، افرادی پیدا می‌شوند که اعتقاد دارند به ما ارتباطی ندارد در جهان فقر، مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری و اجتماعی وجود دارد و همین دست تفکرها هستند که ریشه های حیات جامعه را می‌خشکانند.

سؤال و دغدغه اینست که اگر من و شما بی تفاوت باشیم و هیچ اقدامی نکنیم در آینده چه می‌شود؟ کمی فکر کنیم شاید کارهای ساده اما اثر گذاری باشد که انجام دادن آنها در یک برآیند طولانی مدت نتایج خوبی را در بر می‌گیرد

منابع طبیعی، زیست بوم‌ها، حیات وحش و یا همه کسانی که اطراف ما زندگی می‌کنند نیاز به محبت و رسیدگی دارند اگرخوب دقت کنید مثال‌های بسیاری را در اطراف خود مشاهده می‌کنید، افرادی را پیدا خواهید کرد که به بودن شما نیاز دارند.

چه بسیار افرادی که با یک گفتگو یا یک دیدار کوتاه اما دلنشین، با یک تلفن زدن ساده، و حضور شما در کنارشان حالشان خوب می‌شود و در نهایت حال خودتان از مفید بودنتان نیک می‌شود، برای ساختن شهر، روستا، جامعه و در نهایت دنیایی که جای قشنگ‌تری برای زندگی کردن باشد، به انجام کارهای بزرگ نیازی نیست، همیشه از قدیم شنیده ایم سنگ بزرگ علامت نزدن است! پس با کارهای کوچک آغاز کنیم در طول زمان بی شک نتایج خوبی حاصل خواهد شد.

حتی اگر به ظاهر سخت، طولانی و گاهی طاقت فرسا باشد، یک روز می‌رسد که نتیجه اعمال و تلاش‌های کوتاه اما پیوسته خود را به تماشا می‌نشینیم یادمان باشد برای هر رشد و توسعه ای تخریب یک الزام است! خانه کلنگلی تا تخریب نشود آپارتمانی، جای آن را نمی‌گیرد، خاک تا شکافته نشود دانه گیاه از دل آن نمی‌روید، آب اگر جاری نشود رود و دریا و اقیانوس شکل نمی‌گیرد.

سالهاست که این نکته معلوم شده که فقر، سلامت، و خشونت در جوامع نابرابر تر شایع تر است، ضعف سلامت روحی و روانی در نهایت به مصادیق مختلفی از خشونت‌های اجتماعی منتهی می‌شود، ریشه یابی این خشونت‌ها بر عهده روانشناسان و جامعه شناسان و متخصصان علوم اجتماعی است.

مجموعه وسیعی از مشکلات اجتماعی وجود دارد که دلیلی برای نگرانی از آینده ارتباطات انسانی ما در همه جای جهان هستند به عنوان مثال سطح اعتماد و ارتباط بین فردی، بیماری‌های روان ( شامل اعتیاد به الکل و مواد مخدر) شاخص‌های امید به زندگی و مرگ و میر نوزادان، عملکرد آموزشی کودکان، بارداری نوجوانان، قتل و تجاوز به کودکان و نوجوانان، میزان تاثیرگذاری تحرکات اجتماعی و در نهایت نتیجه پژوهش‌های آسیب‌های اجتماعی نشان دهنده آن است که وضعیت موجود چندان مساعد نیست، اگر من و شما بی تفاوت از کنار این مسائل و دغدغه‌های اجتماعی عبور کنیم بی آنکه به سهم خود برای بهتر شدن شرایط موجود تلاشی کرده باشیم سرانجام چه می شود؟

با توجه به افزایش آسایش مادی و رفاه فیزیکی بی سابقه جوامع مدرن، تردید در شیوه گفتار درباره استرس، به گونه ای که گویا به سختی می‌توان جان سالم از آن به در برد، معقول به نظر می‌رسد این یک واقعیت است، که ما بیشتر ازگذشته در زندگی‌های فردی و اجتماعی مضطرب هستیم، و این نشانه چندان خوبی نیست.

بررسی تحقیقات نشان می‌دهد که مردم در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، افزایش چشمگیر اضطراب و افسردگی را تجربه کرده اند اکنون درجمع کودکان و نوجوانان ایرانی، این بیماریها با افزایش در فراوانی مشکلات رفتاری، از جمله بزهکاری‌های اجتماعی، مصرف الکل و مواد مخدر همراه بوده است، بنابراین اگر هدف ما ساختن جامعه‌ای سالم است باید از تربیت و آموزشهای ابتدایی و ساده و درونی کردن آنها برای فرزندان خود از سنین‌کودکی و نوجوانی آغازکنیم چرا که یک درخت تنومند امروز نهال نو پای دیروز بوده است پس تربیت نهال‌های امروز خود را همین امروز آغاز کنیم تا درختان تنومند فردای ما باشند.

**علی ذوالفقار پژوهشگر هنر و ارتباطات(دارای معلولیت)**

# ناشنوایان چگونه می اندیشند؟

## تقدیم به شاعر ناشنوای اندیشمند استاد شیرمحمد عاشوری

اندیشه؛ بازپردازنده یادگیری، دانش و تجربه در محیط بیرونی و درونی است. بهره هوشی در یادگیری نقش مهمی ایفا می کند، اما ناشنوایان به دلیل ضعف شنیداری و گفتاری در درک مفاهیم با مشکل روبرو می شوند، زیرا عدم ارتباط با دیگران موجب می شود تا از بهره هوشی پایینی برخوردار باشند.

زبان و گوش دو عضو حیاتی در جسم آدمی هستند، از این رو سمعک و یا زبان اشاره نقش مهمی را برای برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات بین افراد عادی با افراد ناشنوا یا کم شنوا ایفا می کنند؛ باید افزود زبان و اندیشه یک رابطه پویا و متقابل با هم دارند، به همین جهت افراد ناشنوا که قادر به تکلم نیستند، ممکن است در فرایند رشد اجتماعی دچار آسیب شوند. این نقص منجر به پایین آمدن اکتسابات شناختی و در نهایت بهره هوشی ضعیف می گردد.

زبان و تکلم تنها ضرورت های تفکر نیستند، پس ناشنوایان می‌توانند بیندیشند و رشد کنند؛ به شرطی که با پشتکار و استقامت، دروسی را بیاموزند و همچنین مطالعه کنند. این گروه نباید از معاشرت با جامعه بکاهند وگرنه با مشکل روبرو می شوند.

مارک فیشر می گوید: «موفقیت یک نگرش، یک باور و یک عادت است. در واقع اندیشه ها از باورها، تجربیات و دانش شکل می گیرند که باعث رشد، ترقی و یا سقوط انسان ها می شوند.» آن چه در فرهنگ امروزه ی ناشنوایان ایران به چشم می خورد، مسایلی چون حسادت و حاشیه ها هستند که باعث شدند فرهیختگان نخبه از همدیگر دوری کنند یا به رقابت های ناسالم روی بیاورند. این عوامل سقوط اندیشه ناشنوایان را در پی دارد که از پایین بودن دانش، عدم اعتماد به نفس، خجالت و خود برتر بینی نشأت می گیرد.

لارا بریجمن معلم و هلن کلر نویسنده و سیاستمدار آمریکایی اولین نابینایان و ناشنوایان موفق غربی هستند که عمیق اندیشیدند و با افزودن دانش به رشد و تعالی رسیدند؛ آنها همچنین تاثیر بزرگی بر روی جامعه ناشنوایان جهان به جا گذاشتند.

از جمله اندیشمندان، نوابغ، هنرمندان و مخترعان ناشنوای جهان که باعث شدند جامعه ناشنوایان رشد کنند عبارتند از:

**لودویگ ون بتهوون**: آهنگساز آلمانی و اولین موسیقیدان ناشنوای جهان

**ساموئیل هاینیک**: آموزگار صاحب نظر و پژوهشگر در حوزه تعلیم و تربیت ناشنوایان

**تریتشک هنریک وان**: تاریخ نگار و پژوهشگر آمریکایی

**تیلدن داگلاس**: مجسمه ساز آمریکایی

**برینسنیو رنه**: نقاش و مجسمه ساز فرانسوی

**پانا را رابرت آف**: نویسنده و پژوهشگر آمریکایی

**دونالد هارینیک**: نویسنده آمریکایی

**پابلو بونت خوان**: پژوهشگر و نویسنده اسپانیایی

**پونت چارلز**: طبیعت شناس سوئیسی

**بندیکت روت فولت**: ناشنوای مردم شناس آمریکایی

**برنارد فردریک**: دانشمند، نویسنده و پژوهشگر آمریکایی

**موریس**: نقاش توانمند آمریکایی

**اینک آسیا گیووانی**: پزشک ایتالیایی و پژوهشگر در زمینه گوش و شنوایی

**ایستمن گیلبرت**: هنرپیشه و نمایش نامه نویس آمریکایی

**اوستون وین**: پزشک انگلیسی

**آکورن میلیون**: شاعر کانادایی

**اشلی جک**: سیاستمدار، روزنامه نگار و فعال در عرصه فرهنگی و اجتماعی انگلستان

**اسمیت اراستوس**: سیاستمدار و فعال ارشد نظامی و اجتماعی آمریکایی

**اسمتانا فردریک**: آهنگساز و ارکستر ملی چکسلواکی

**اسکات شارلوت انکاس**: ریاضیدان برجسته انگلیسی و استاد دانشکده گیرتون و کمبریج
**استیون کلی اچ**: نقاش نامی آمریکایی
**اسپیکر راندلوف**: مخترع، مبتکر و مدیر چندین مدرسه آمریکا
**امونتونز گویلوم**: فیزیکدان و مبتکر فرانسوی
**امبروسی گوستنتیوس**: مجسمه ساز سرشناس اتریشی
**آرنولد کیلیس**: معلم، اندیشمند و مجسمه ساز برجسته ی آمریکایی
در ایران نیز ناشنوایان بزرگ و معاصری هستند که برای رشد و ترقی همنوعان خود تلاش بسیاری کردند که عبارتند از:
شیرمحمد عاشوری: شاعر، نویسنده و ترانه سرا
کامران رحیمی: نویسنده و پژوهشگر
اسلام یزدانی: معلم، شاعر و نویسنده
مهساخان احمدی: نقاش (کسب مقام در فرانسه و کره جنوبی)
آسیه خلیلی: نقاش و کاریکاتوریست
مهدخت شریعتی: معلم، شاعر، نویسنده، نقاش، تدوینگر فیلم کوتاه، شطرنج باز و مترجم سه زبان
سهند فلاح: فیلمساز، نویسنده و ورزشکار
پریسا کرمانی زاده: تالیف کتابهای زبان اشاره
محمد ترابی: پژوهشگر فناوری علمی، مخترع حوزه معلولان و سازنده انیمشمن با زبان اشاره و ورزشکار
حبیب تهرانی زاده: تالیف و تدوین کتابهای زبان اشاره
رضا محمودی: مدرس زبان اشاره و نویسنده کتابهای زبان اشاره
مهرداد صدری: نقاش، نگارگر و استاد دانشگاه هنر
عبدالله اسکندری: نوازنده و مدرس دف به ناشنوایان
روزبه قهرمان: نویسنده، پژوهشگر زبان اشاره (انگلیسی و فارسی)، نویسنده دایره المعارف چهار جلدی ناشنوایان و استاد نمونه ی دانشگاه آلبرتا کانادا
عباسقلی بهمنش: استاد دانشگاه گالودت آمریکا
مارال کریمی: مشاور ناشنوایان آلمان
زهره پور بایگان: شاعر، ترانه سرا و نویسنده (اولین بانوی داستان نویس ناشنوای معاصر)
میثم رنجبری: نوازنده و مدرس دف به ناشنوایان
مریم پگاه راد: نویسنده و کاریکاتور و انیماتور
و اما در ایران اندیشمندان بزرگواری هستند که در جامعه ناشنوایان ما تاثیرگذار بودند و جای دارد در این مقاله از آنها یاد کرد:
زهره میرعارفی: شاعر، نویسنده و اولین مدرس آموزش داستان نویسی به ناشنوایان
دکتر گیتا موللی: استاد دانشگاه، پژوهشگر، دبیر کمیته توانبخشی به کودکان ناشنوا و کم شنوا و گسترشگر کتابخوانی و قصه گویی کودکان ناشنوا
پروانه باغچه بان: نمایشنامه نویس و بنیان گذار تئاتر کودکان و نوجوانان ناشنوا در شیراز
حسین گلبیدی: اولین معلم ناشنوایان اصفهان
هادی طهوریان: حمایت از جامعه ناشنوایان و مشاور خانواده
ذبیح بهروز: طنزپرداز و پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش ناشنوایان
نرگس کاظمی: شاعر، نویسنده و پژوهشگر ادبیات ناشنوایان
نازلی مقتدایی: کارشناس زبان شناسی، توانبخش سنجش شنوایی و پژوهشگر
ایران بهادری: تالیف و تدوین کتابهای زبان اشاره
محمود پاکزاد: خادم و نویسنده حوزه ناشنوایان

تعداد اندیشمندان ناشنوا در ایران معدود می باشند که بسیاری نیز گمنام هستند و تأسف برانگیزتر از آن بی توجهی رسانه ها به آنها است. این نامهربانی باعث شده تا این عزیزان همچنان ناشناخته باقی بمانند! اما ما نباید از یاد ببریم در کشوری هستیم که جبار باغچه بان با بنای مدرسه ی ناشنوایان و پایه گذاری زبان اشاره نام پدر ناشنوایان را به خود اختصاص داده است. عمل این بزرگمرد راهی برای دگرگونی فکری امروز ناشنوایان ایران را باز کرد تا بهتر بیندیشند و رشد کنند. درست همانطور که هلن کلر با استقامتش الگویی برای جامعه ناشنوایان جهان شد.


**منبع**:
دانشمندان نوابغ و هنرمندان و مخترعان ناشنوایان
مجله علوم تربیتی و روانشناسی سال سوم اسفندماه سال ۸۵،
پژوهش تحقیقات دکتر احمد یار محمدیان استاد دانشگاه اصفهان
پژوهش تفکر ناشنوایان و نابینایان
گرد آوردنده: مینوش احمدی پور، شاعر ناشنوا


**مهدیه برنگ**

# برنامه درمانی اسب سواری تورنتو
# افراد معلول و اسبها را به هم نزدیک تر می کند

وقتی بحث سلامتی و تندرستی شما در میان است سر و کار داشتن با اسبها, به ویژه برای معلولین مزایای زیادی خواهد داشت. برنامه های درمانی سوارکاری, نظیر آنچه اتحادیه انجمن سوارکاران معلول ارایه میدهد, می تواند در ارتقای کیفیت زندگی آنان موثر باشد.
جنت مک نل , یکی از سوارکاران انجمن در چهل و یک سالگی دچار ام اس شده است.ابتدا برایم شوک بزرگی بود و نمی توانستم سوارکاری کنم. بعد در اینترنت این انجمن را پیدا کردم و با خودم گفتم که می توانم همچنان سوارکاری کنم. من تمام عمر عاشق اسب ها بودم و این علاقه در خون من است. سوارکاری استقلالم را به من بر می گرداند و وقتی اینجا هستم ام اس را فراموش می کنم.
انجمن پنجاه سال پیش تاسیس شد و هم اکنون در فضایی مجهز به گرمایش و در جی راس لرد پارک فعالیت می کند.

سوارکاری درمانی به همراه سایر فعالیت های هدف دار و تحت نظارت انجمن, از نظر پزشکی برای کودکان و بزرگسالان مبتلا به هر نوع معلولیت شناختی, احساسی و فیزیکی سودمند است. انجمن با روش های مثبت و موثر بین اسبها و معلولین ارتباط برقرار کرده و آنها را به هم نزدیک تر می کند.
مک نیل می گوید : این برنامه را با چیزی عوض نمیکنم. خیلی منتظر این یک روز به خصوص در هفته هستم چراکه یک ساعت تمام فقط من و اسبم با هم وقت می گذرانیم.
چاک رایت مدیر جرایی انجمن می گوید : اسبها حیوانات خاصی هستند و می دانند وظیفه شان چیست. اسبهای این برنامه کمی مسن تر و بین شانزده تا بیست و یک سال هستند. تمام آنها توسط افرادی که در صنعت و بخش خرید و فروش اسب هستند اهدا شده اند.

ارتباط بین اسب و سوارکار جادویی است. الهام بخش اعتماد و مسئولیت دوجانبه است. یک حس رهایی است که باعث می شود سوارکاران از زندگی روزمره و کارهای معمول خود دور شوند. رایت افزود که همین حس سواری را به تجربه ای متفاوت تبدیل میکند که همیشه مشتاق آن هستیم.

بلوغ بی‌بلوغ

# بهزیستی و چهل سال انحراف از مسیر

**مدیران بهزیستی در چهلمین سال تأسیس آن در مورد مستمری ۱۰۸ هزار تومانی معلولان چانه‌زنی می‌کنند.**

سازمان بهزیستی امسال در حالی چهلمین سال فعالیتش را به پایان رساند که هنوز نتوانسته هیچ‌یک از گروه‌های تحت‌پوشش خود را به خودکفایی واقعی و عدم وابستگی برساند.

این سازمان علیرغم افزایش خدماتش در سال‌های‌رفته، در انجام وظایف اصلی خود دچار انحراف شده، مفهوم «توانبخشی» در میان پراکنده‌کاری‌های بهزیستی دچار دستخوش شده. این نهاد در حوزه اشتغالزایی گروه‌های هدف هنوز توفیقی نداشته، «توانمندسازی» رنگ‌باخته، بازتوانی فراموش شده، روح مددکاری از سازمان رخت بربسته و آنچه باقی‌مانده مشتی خدمات سطحی، گذرا و وابسته به بودجه است.

اولویت‌های این سازمان در طول سالیان گذشته بسته به سلایق روسای آن جابجا شده، هر کسی از ظن خود اهداف جدیدی برای سازمان ترسیم کرده و در نهایت اینگونه شده که اکنون سازمان را در شرایطی مواجه با انبوهی از مشکلات، کوهی از کارهای نکرده، دنیایی از امور عقب‌افتاده، مشکلات حل‌نشده از دیرباز و استقبال از چالش‌های جدید می‌بینیم.

## تا ایده‌آل فاصله داریم

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه مطالبات معلولان در سال‌های اخیر افزایش یافته، این اتفاق را نشانه خوبی قلمداد می‌کند و ادامه می‌دهد: اگر از مددجویان قدیمی بپرسید خواهند گفت بسیاری از خدمات فعلی سازمان در سالیان گذشته وجود نداشته و بهزیستی گاهی حتی از برای پرداخت مستمری و بیمه مددجویان نیز ناتوان بوده است.

محمد نفریه روند فعالیت بهزیستی در ۴۰سال اخیر را روبه‌رشد خوانده و می‌گوید: پیشرفت داشته‌ایم اما تا ایده‌آل فاصله داریم.

## معلولان متولی تخصصی ندارند

اما یک وکیل دادگستری می‌گوید: من در مسیر ۴۰سال اخیر بهزیستی در زمینه رسیدگی به امور معلولان، صعود نمی‌بینم. بهزیستی اتفاق شگرفی را نتوانسته صورت دهد و خلاءهای زیادی در مورد همه گروه‌های تحت‌پوشش آن وجود دارد.

ناصر سرگران می‌گوید: در خصوص کفایت سازمان بهزیستی در رسیدگی به امور معلولان کافی‌است مرور کنیم که چهل سال از تأسیس این سازمان گذشته و مدیران آن امروز دارند در مورد مستمری ۱۰۸ هزار تومانی و افزایش ناچیز یارانه معلولان چانه‌زنی می‌کنند.

سرگران می‌افزاید: وقتی به عملکرد بهزیستی نگاه می‌کنیم می‌بینیم هر چه پیش رفته‌ایم نگرانی معلولان بیشتر شده و هرچه تورم خدمات در بهزیستی افزایش پیدا کرده مسائل معلولان کمتر دیده شده است.

وی ادامه می‌دهد: کار توانبخشی در بهزیستی تقریباً تعطیل شده، دسترسی به لوازم کمک‌توانبخشی ضعیف است، دوره‌های مختلف آموزشی که در دهه۷۰ و ۸۰برگزار می شد ادامه ندارد، معلولان به دلیل تورم خدمات بهزیستی از این سازمان فاصله گرفته‌اند، پرونده‌های مددجویان به بخش خصوصی واگذار شده بی‌آنکه این بخش تخصص لازم را داشته باشد و همه این رویدادها منفی است.

این استاد دانشگاه بهزیستی را مسئول پیگیری اجرای قانون جامع حمایت از معلولان می‌داند و می‌افزاید: بهزیستی در این زمینه کوتاهی کرده، نمی‌گوییم هیچ اقدامی نکرده اما انتظار داشتیم در پیگیری دلایل عدم اجرای قانون قوی ظاهر می‌شد.

به گفته این حقوقدان در ارزیابی سازمان بهزیستی دو حالت وجود دارد، یا باید بهزیستی را همین‌گونه که هست با همین خدمات بپذیریم و یا باید اقدامات آن را بررسی و ارزیابی کنیم.

سرگران ادامه می‌دهد: در حالت دوم انتظاری که می‌رفت این بود که نهادهای بالادستی این حجم از وظیفه را به بهزیستی واگذار نکنند و بگذارند این دستگاه به‌طور تخصصی فقط به امور معلولان رسیدگی کند تا در اثر پراکندگی وظایفش بزرگترین اقلیت اجتماعی ایران آسیب‌پذیرتر از دیروز نشود.

این مدرس دانشگاه که خود نابینای مطلق و نخبه است ادامه می‌دهد: اما در رویکرد اول به این نتیجه می‌رسیم که بهزیستی را همینطور که هست با ساختاری عریض و طویل، معیوب و مجبور به ارائه خدمات جسته‌گریخته به گروه‌های مختلف و آسیب‌پذیر اجتماعی بپذیریم.

سرگران با تأکید بر اینکه گستردگی وظایف بهزیستی باعث به حاشیه رفتن هر روزه‌ی معلولان می‌شود و در نتیجه ارائه خدمات را نمی‌توان مطلوب ارزیابی کرد، می‌افزاید: این رویداد نه تنها به نفع معلولان نیست بلکه به ضرر سایر گروه‌های تحت پوشش این سازمان

نیز هست.
به گفته این حقوقدان برخی وظایف گاهی توسط دولت و مجلس به‌عهده بهزیستی گذاشته می‌شود، این امر مشکلات ساختاری را برای بهزیستی رقم می‌زند، این نقد به دولت و مجلس برای واگذاری وظایف بیش از حد به بهزیستی آن هم بدون تقویت ساختار آن وارد است؛ پس می‌توان گفت معلولان متولی تخصصی ندارند و البته این تقصیر بهزیستی نیست بلکه سیاست دولت است.
سرگران ادامه می‌دهد: در سال‌های اخیر اتفاق به ظاهر مثبت اما بسیار تلخی که افتاد این بود که بهزیستی به سیاست برون‌سپاری خدمات متوسل شد. یک گروه افراد عادی و یک گروه انجمن‌های معلولان که فعالیت مدنی داشتند مجوز ارائه این خدمات را گرفتند اما این رویداد دو مشکل عمده ایجاد کرد.
به گفته وی اولین مشکل این بود که پرونده معلولان به انجمن‌های نامرتبط و نامتخصص واگذار شد که دانش مربوطه را نداشتند و دوم اینکه انجمن‌ها به دلیل دریافت حق‌الزحمه از بهزیستی از حوزه مطالبه‌گری خارج شده و به مسیر درآمدزایی افتادند، بنابراین بهزیستی در مسیر برون‌سپاری خدمات از مسائل تخصصی معلولان دور شد و بسیاری از امور اصلی را نادیده گرفت.

## بهزیستی به سرمنزل مقصود نرسید

یکی از اولین بنیانگذاران سازمان بهزیستی نیز معتقد است: این سازمان با این امکانات، پرسنل و بودجه در چهل سال گذشته توفیق چندانی نداشته است.
علی سالارزاده که ۴۱سال پیش به همراه دکتر کمالی، هخامنش، یارگرروش، اجاره‌دار و اژه‌ای مأموریت تأسیس سازمان بهزیستی را عهده‌دار بوده، تأکید می‌کند: هدف از تأسیس بهزیستی تجمیع تشکیلات پراکنده و فعال در زمینه معلولان، نفس کار بد نبود اما نتیجه موردنظر حاصل نشد.
وی می‌گوید: بهزیستی در هیچ‌یک از زمینه‌های توانمندسازی جسمی، مالی، ارائه خدمات توانبخشی و بازتوانی معلولان که از مهم‌ترین رسالت‌هایش است موفق نبوده، معلولان هنوز همان ویلچرهای بی‌کیفیت ۴۰سال پیش را سوار می‌شوند و مشکلاتشان همچنان صعودی است.
یکی از مهم‌ترین دلایل شکست بهزیستی و نرسیدنش به سرمنزل مقصود «مشکلات مالی است، این سازمان تکیه زیادی به مشارکت‌های مردمی دارد درحالی‌که با تغییر شرایط اقتصادی مردم به مرور دیگر نتوانستند مانند گذشته به کمک بهزیستی بیایند و کسی برای رفع این مشکل تمهیدی نیاندیشید.
این رئیس اسبق بهزیستی تبریز با بیان اینکه کاری که اکنون بهزیستی انجام می‌دهد جدا از وظیفه‌ای است که باید داشته باشد، می‌افزاید: با اینکه سالهاست بازنشسته شده‌ام اما فضای حاکم بر بهزیستی را می‌شناسم و می‌دانم با پرداخت مستمری صدهزارتومانی مشکلی از معلولان رفع نمی‌شود.
وی که در گذشته ریاست سازمان نابینایان تبریز را نیز بر عهده داشته با اشاره به این مطلب که چهل سال پیش سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد بدون احتساب جنگ و شرایط خاص ۱۰درصد از جمعیت همه جوامع را معلولان تشکیل می‌دهند، اذعان می‌کند: اگر منصفانه قضاوت کنیم با جمعیت فعلی ایران دست‌کم بیش از ۸میلیون شهروند معلول باید داشته باشیم اما آمار بهزیستی حتی به دو میلیون نفر هم نمی‌رسد و این نیز گواه دیگری بر کم‌توجهی بهزیستی به وظایف خود است.

## بهزیستی با عدم شایسته‌سالاری در مدیریت مواجه است

رئیس هیأت مدیره موسسه انجمن معلولین خوزستان می‌گوید: خدمات بهزیستی نسبت به قبل افزایش یافته اما نسبت به استانداردها هنوز فاصله زیادی دارد.
محمدعلی جدیدی عدم رعایت شایسته‌سالاری در رأس مدیریت بهزیستی را از عوامل عدم رشد این سازمان دانسته و بیان می‌کند: اصلاح ساختارها در این سازمان عموماً سلیقه‌ای است که موجب هدررفت اعتبارات می‌شود و از طرف دیگر این سازمان با طرف قرارداد شدن با مراکز خدماتی و نیز مراکز نگهداری از سالمندان و معلولان خود را با بروکراسی عظیم و دست‌وپاگیری مواجه کرده است.
وی بخش فرهنگی بهزیستی را منفعل می‌داند و تأکید می‌کند: نگاه جامعه به معلولان هنوز مطلوب نیست، در حالی‌که امکانات فراوانی در اختیار بهزیستی است که می‌توان با اتکا به آن و با همکاری سمن‌ها امور فرهنگی را سامان داد.

## بلوغ بی‌بلوغ

این مشکلات در حالی باقیست‌که انتظار می‌رفت بهزیستی در چهلمین سال فعالیتش به‌عنوان سال بلوغ فکری-اجتماعی خود فهرستی از اختتام بزرگترین مشکلات، استقلال مهم‌ترین گروه‌های تحت‌پوشش، سبک‌کردن شانه‌های دولت از باری سنگین در تقویت گروه‌های آسیب‌پذیر و برنامه‌های قوی‌تر برای ۴۰سال بعدی ارائه دهد.
و تأسف آنجا عمیق‌تر می‌شود که مدیران بهزیستی هربار هم سخن از خارج‌سازی مددجویان از زیر چتر حمایتی به میان آورند، مبنایشان اعطای وام‌های خرد و ناچیز و قطع مستمری‌های ناچیزتر از آن به بهانه دسترسی مددجویان به منابع درآمدی بوده و غیرواقعی بودن این ادعا هربار با آمدن مدیر بعدی محرزتر می‌شد و خبر بد آنکه این داستان همچنان و هنوز ادامه دارد...

رقیه بابایی

# مکعب روبیک بریل

حل مکعب روبیک بریل بسیار سخت تر از نوع معمول آن است چرا که بر روی هر قطعه علایمی به خط بریل نوشته شده. همچنین می توانید قطعات را به دلخواه خودتان تنظیم و توانایی هایتان را محک بزنید.

مک نانا میزو که یکی از هواداران تکنولوژی های آینده است, یک مترجم زبان اشاره اختراع کرده که به اندازه یک آبنبات کوچک است. این وسیله مجهز به یک دوربین پیشرفته برای ثبت حرکت دست فرد می باشد و حرکت را به زبان گفتار تبدیل می کند. می توانید نوع صدای گوینده را انتخاب کنید و برای روشن کردنش کافیست تا قسمت پایینی دستگاه را فشار دهید.

نرم افزار { SEEING All } به کمک افراد با مشکل بینایی می آید تا درک بهتری از دنیای اطراف داشته باشند.این نرم افزار از تکنولوژی یادگیری ماشینی , پردازش زبان و دید کامپیوتری برای ترسیم دنیای اطراف کمک می گیرد. هم اکنون به زبانهای هلندی, آلمانی, فرانسه, ژاپنی و اسپانیایی در دسترس است.

برخی ویژگی های آن عبارتند از :

- قابلیت خواندن متن با قرار دادن آن جلوی دوربین گوشی
- با صدای بوق به پیدا کردن بارکد محصولات و اسکن آن کمک میکند.
- قابلیت تشخیص دوستان و اطرافیان و توصیف فیزیک و احساسات آنها.
- یکی دیگر از ویژگی ها که فعلا به صورت آزمایشی است, به توصیف محیط اطراف می پردازد.

# رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل انجمن ندای معلولین ایران
# معلولان ۳۰ سال است منتظر اجرای قوانین مناسب‌سازی هستند

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل انجمن ندای معلولین ایران موضوع مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری شهری برای معلولان را بحثی مغفول مانده در ایران دانست.
به گزارش مردم‌سالاری آنلاین؛ محمود کاری با بیان این مطلب گفت: قانون مناسب‌سازی محیط‌های شهری و اماکن عمومی از سال ۱۳۶۴ در مجموعه مقررات معماری و شهرسازی ویژه افراد دارای معلولیت به تصویب هیأت وزیران رسیده اما اجرای آن همچنان در کشور مغفول مانده است.
این فعال حوزه معلولان می‌گوید: سمن‌های معلولان تلاش زیادی برای اجرای این مصوبه کردند و در نهایت پس از صرف هزاران ساعت کار کارشناسی مشترک بین سمن‌ها، بهزیستی، مجلس و... پیش‌نویس قانون جامع حمایت از معلولان تهیه و تقدیم دولت شد و سال۱۳۸۳ به تصویب مجلس ششم رسید.
کاری با بیان این مطلب که متاسفانه این قانون هنگام اجرا مورد کم‌لطفی و بعضا تمسخر برخی دستگاه‌ها به‌خصوص اهمال وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها قرار گرفت، ادامه داد: در تمام مدتی که دولت موظف به اجرای قانون مذکور بود شاهد بودیم که بیشتر ارکان دسترس‌پذیری شهری از سیستم حمل‌ونقل عمومی گرفته تا تعبیه مبلمان شهری، اجرای رمپ‌ها، سرویس‌های بهداشتی و... غیر استاندارد ساخته شدند.
به گفته کاری این قانون در اثر بی‌تفاوتی دستگاه‌ها از اهمیت ساقط شد و باز با پیگیری سازمان‌های مردم نهاد معلولان و با همکاری وزارت رفاه و بهزیستی از سال ۱۳۹۰ تا ۵ سال مورد بازبینی قرار گرفت و این روند در نهایت به تهیه و تدوین پیش‌نویس یک لایحه قانون با ۵۳ ماده منجر شد.
وی توضیح داد: ۲۸ ماده از مواد این قانون که ۵ سال زحمت کارشناسی پشتوانه آن بود در بررسی‌های دولت به‌عنوان بخشی از وظایف دولت جدا و بایگانی شد و ۲۵ ماده باقیمانده طی لایحه‌ای به مجلس ارسال و در نهایت در اسفند ۱۳۹۶ تصویب و در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ برای اجرا به بدنه دولت ابلاغ شد.
وی هدف از بیان این مطالب را اطلاع‌رسانی به جامعه خواند و گفت: آحاد مردم باید بدانند که افراد دارای معلولیت بیش از ۳۰سال است منتظر اجرای قوانین مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری هستند اما مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی دائمی دستگاه‌های اجرایی و دولت قرار دارند.
مدیرعامل انجمن ندای معلولین با بیان این پرسش که چه فرقی بین قوانین معلولان و سایر قوانین وجود دارد، گفت: اغلب قوانین به محض تصویب در مجلس توسط دولت اجرایی می‌شود اما قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در بسیاری از مواد بلاتکلیف می‌ماند که در این رابطه می‌توان به مواد۲، ۳، ۴، ۵ و ۲۷ اشاره کرد.
کاری عدم توجه دولت به مواد ۱ تا ۵ قانون جامع که به مناسب‌سازی معلولان دلالت دارد را ناشی از بی‌توجهی به استانداردها و اتلاف منابع انسانی و مالی دانست و تاکید کرد: این بی‌توجهی در حالی صورت می‌گیرد که شهرداری‌ها بودجه‌های خوبی در اختیار دارند و شهرداری تهران با توجه به منابع تخصصی و دسترسی به تجربیات کشورهای مختلف که در اختیار دارد نمونه بارز این مطلب است.
وی با بیان این که شهرداری‌ها بعد از ۳۰ سال هنوز نتوانسته‌اند سیستم حمل و نقل عمومی شامل اتوبوسرانی، تاکسیرانی و مترو را به‌گونه‌ای آماده کنند که پذیرای افراد دارای معلولیت نیز باشد، تضییع حقوق معلولان در بخش حمل‌ونقل را از موفقیت‌های شهرداری تهران در سال جاری برشمرد.
وی در ادامه ارجاع معلولان به سازمان بهزیستی را برای گرفتن خدماتی که در اختیار شهرداری است از دیگر اقدامات گلایه‌برانگیز شهرداری تهران خواند و افزود: برخی معلولان تحت پوشش بهزیستی قرار نگرفته‌اند اما صاحب مسئولیت و مشاغلی هستند که برای رسیدگی به آن همکاری شهرداری را لازم دارند، این موضوع در مورد فعالان مدنی که شخصیت حقوقی مستقل دارند بیشتر صدق می‌کند و درست نیست شهرداری معلولان را وادار به گردش در دور باطل کند.
کاری اذعان کرد: مناسب‌سازی شهری از مهم‌ترین وظایف شهرداری است بااین‌حال در اماکن عمومی، ساختمان‌ها، مجتمع‌های درمانی و تجاری اغلب این مهم رعایت نشده و این در حالی است که شهرداری تهران باید در این زمینه الگوی سایر شهرها باشد.
کاری ادامه می دهد: معابر و پیاده‌روهای شهر مشکل دسترسی دارند، بیشتر پل‌های ارتباطی بین تقاطع‌ها با میله‌های یو شکل مسدود شده‌اند که تردد را به جز معلولان برای سالمندان، مادران باردار و... مشکل می‌کند و این وضعیت با شعار شهرداری مبنی بر"شهری برای همه" انطباق ندارد.
رئیس هیات مدیره انجمن ندای معلولین ایران تاکید کرد: با توجه به اینکه ریاست ستاد مناسب‌سازی بر عهده وزیر کشور است انتظار می‌رود اقدامات کاربردی و اثرگذاری برای اجرای فصل دوم قانون جامع و اجرای مفاد استانداردسازی شهرها صورت گیرد.

# مدیر انجمن کوتاه قامتان:
# مسئولان برای حمایت از معلولان دنبال مناسبت‌های تقویمی نباشند

رقیه بابایی

مدیر انجمن کوتاه قامتان بلند همت کشور گفت: مسئولان برای حمایت از معلولان و توجه مضاعف به این قشر تنها نباید به دنبال ایام مناسبتی خاص به مانند هفته بهزیستی باشند.

محبوبه ابراهیم خانی در گفتگو با پیک‌توانا عنوان کرد: از مسئولانی که به دنبال یافتن مناسبت‌های تقویمی برای رسیدگی به مشکلات افراد خاص و دور مانده از مزایای اجتماعی هستند شدیدا گلایه مندیم و بر این اعتقادیم که پرداخت به موضوعات مهم و افراد نیازمند توجه نباید تنها در زمان‌های خاص به مانند هفته بهزیستی انجام پذیرد.

به گفته وی تمامی انسان‌ها به صورت روزمره با نیازهای مختلف مادی، معنوی، جسمی، فیزیکی و همچنین مسائل مرتبط با حقوق شهروندی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند و باید شرایطی فراهم شود که مسئولان دستگاه‌های مختلف بنا به وظایف سازمانی خود در تمامی فصول سال جویای احوال معلولان، بیماران خاص، کوتاه قامتان و سایر گروه‌های در معرض آسیب باشند.

مدیر انجمن کوتاه قامتان بلند همت در ادامه بر لزوم اجرایی شدن مفاد قانون جامع حمایت از معلولان تأکید کرد و افزود: دسترسی عادلانه و بدون مشکل به اماکن عمومی و ارتقای زیرساخت‌های حمل و نقل شهری را خواستاریم و در این راستا امیدواریم تغییر نگرش مثبتی که در شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی برخی از شهرهای کشور نسبت به حمایت از معلولان ایجاد شده مقطعی نباشد.

ابراهیم خانی بر نگرانی مهم اعضای انجمن کوتاه قامتان ازکاسته شدن میزان توجه‌ها نسبت به کوتاه قامتان اشاره کرد و یادآور شد: شایسته است تا فصل قانونی با عنوان «نیازمندی‌ها و چگونگی ارائه خدمات به معلولان» به صورت ثابت و مستمر در بدنه مدیریت شهری استان‌های مختلف کشور تصویب شود تا در صورت جا به جایی مدیران و تغییر سلیقه‌ها این حق ایجاد شده به صورت پایدار مدنظر قرار گرفته و معلولان از حقوق خود تنها در مقاطع خاص بهره مند نشوند.

وی در ادامه از کوتاهی‌هایی که در برخی از کلانشهرهای کشور در خصوص عدم توجه به حمل و نقل مناسب معلولان در اماکن عمومی می‌شود انتقاد کرد و افزود: چنانچه اراده جمعی، عزم ملی و نظارت مطلوب در خصوص اجرای مناسب طرح‌های حمایتی معلولان در محیط شهری وجود داشته باشد نباید شاهد پابرجا بودن مشکلات و کمبودهای کنونی می‌شدیم.

مدیر انجمن کوتاه قامتان بلند همت کشور به تساوی حقوق شهروندی معلولان با دیگر افراد جامعه نیز اشاره کرد و یادآور شد: شعار مدیران شهری مبنی بر «دسترس پذیری شهری برای همگان» نباید تنها در حد شعار باقی بماند، چرا که اگر معلولان در ترددهای خود با محدودیت و سختی‌هایی همراه شوند به مرور منزوی شده و وارد آمدن آسیب‌های شدید روحی و ازدست رفتن سرمایه‌های توانمند انسانی را شاهد خواهیم بود.

وی با تأکید بر اینکه باید برابری حقوق شهروندی و توجه به کرامت انسانی افراد دارای معلولیت را در مواجهه با سایر اقشار جامعه به صورت عینی شاهد شویم، افزود: در برخی از شهرهای کشور زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی برای معلولان همچنان با کمبودهای جدی همراه بوده و امیدواریم در هفته بهزیستی مصوبات خوبی را برای دسترس پذیری و استانداردسازی اماکن عمومی و همچنین توجه به دیگر نیازهای عمده کوتاه قامتان داشته باشیم

# جشنواره تجلیل از دانش آموزان ممتاز امسال به صورت کشوری برگزار می‌شود

مدیرعامل کانون معلولین توانا از برگزاری جشنواره تجلیل از دانش آموزان ممتاز به صورت کشوری خبر داد.

به گزارش پیک توانا؛ محمدرضا هادیپور مدیرعامل کانون معلولین توانا گفت: امسال با شیوع ویروس کرونا به منظور حفظ سلامت دانش آموزان و خانواده‌های آنها جشنواره تشویق دانش آموزان ممتاز همچون سال‌های گذشته به صورت مراسم و جشنواره برگزار نمی‌شود و در فضای مجازی به صورت جشنواره مجازی استعدادیابی و نخبه‌پروری برگزار می‌شود.

وی ادامه داد: در سال‌های گذشته جشنواره تجلیل از دانش آموزان ممتاز تنها محدود به استان قزوین می‌شد بنابراین همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ما در مورد جشنواره برگزاری آن به صورت کشوری و سراسری بود که خوشبختانه امسال در فضای مجازی به صورت سراسر و کشور برای تمام مردم قابل دسترس خواهد بود.

مدیرعامل کانون معلولین توانا از دیگر تغییرات جشنواره تجلیل از دانش آموزان ممتاز به استعدادیابی دانش آموزان در رشته‌های مختلف اشاره کرد و افزود: در سال‌های گذشته تنها ملاک و معیار جشنواره برای تجلیل از دانش آموزان نمره و معدل آنها بود که با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته امسال تمام استعدادهای دانش آموزان همچون استعدادهای هنری، ورزشی، علمی و ایده‌یابی و خلاقیت آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

هادیپور در ادامه بیان کرد: کانون معلولین توانا از بدو تشکیل این سازمان مردم نهاد، تغییر نگرش جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت را در دستور کار خود قرار داده و در همین راستا از ۲۲ سال پیش جشنواره تجلیل از دانش آموزان ممتاز را کلید زده است.

وی افزود: از همان سال‌های نخست فعالیت کانون توانا با بررسی‌هایی که توسط تیم ارزیابی و کارشناسی کانون معلولین انجام شد متوجه شدیم که دغدغه‌های فرهنگی به ویژه عدم فرهنگ مناسب در خصوص نحوه برخورد صحیح با افراد دارای معلولیت بزرگ‌ترین چالش افراد دارای معلولیت در جامعه است.

هادیپور ادامه داد: به همین منظور آموزش و ترویج فرهنگ نحوه برخورد صحیح با افراد دارای معلولیت و آشنایی با دغدغه‌ها و مشکلات آنها مورد توجه کانون توانا قرار گرفت و از آنجایی که در معقوله تغییرنگرش جامعه نسبت به معلولان نگاه بلندمدت داشتیم، تصمیم گرفتیم که بخشی از برنامه‌های فرهنگی و آموزشی خود را روی کودکان و به ویژه دانش آموزان معطوف کنیم.

وی بیان کرد: برگزاری جشنواره تشویق دانش آموزان ممتاز به صورت جدی در دستور کار کانون توانا قرار گرفت و تا امروز که ۲۲مین سال برگزاری آن است ادامه داشته است.

مدیرعامل کانون معلولین توانا تصریح کرد: دانش آموزان به عنوان اجزای اصلی تشکیل دهنده آینده جامعه اگر از همان سنین کودکی و نوجوانی با مفاهیم معلولیت و نیازهای معلولان آشنا شوند می‌توانند در روند بهبود فرهنگ جامعه و زندگی افراد دارای معلولیت در آینده نقش بسزایی داشته باشند.

**شهاب ربیعی**

# کریستین هاو اولین شرکت کننده نابینا در تاریخ برگزاری مسابقات آشپزی

ترجمه: الهام اشرفی

کریستین هاو اولین شرکت کننده نابینا در تاریخ برگزاری مسابقات آشپزی مستر شف با حضور گردن رمزی است. وی همچنین برنده فصل سوم این برنامه است.
کریستین دارای مدرک کارشناسی ارشد هنرهای زیبا از دانشگاه هیوستون و کارشناسی مدیریت بازرگانی از دانشگاه تگزاس است.
اولین کتاب آشپزی او, عنوان پرفروش ترین نیویورک تایمز را به خود اختصاص داد. در سال ۲۰۱۴ جایزه دستاورد شخصی هلن کلر را ازبنیاد نابینایان آمریکا دریافت کرد. اولین رستوران او در شهر هیوستون مشغول به کار است.
حضور او دربرنامه گردن رمزی و توانایی اش برای خلق غذاهایی با ظاهر عالی و مواد عجیب در مدت کم رقابت۰ این سوال را مطرح میکند که بینایی او در چه حدی است.
کریستین می گوید : تعبیر رایج و اشتباهی است که اکثرا فکر می کنند فردی کلا یا نابینا است یا نیست. این اصلا درست نیست.
کریستین به مرور و بین سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ بینایی خود را از دست داد.
علت آن بیماری سیستم ایمنی به نام سندرم دویک بود.
پزشکان بیماری مرا با نام شمارش انگشتان می شناسند. اگر دستتان را به فاصله ده تا دوازده اینچ از صورت من قرار دهید و نور اطراف خیلی تاریک یا شدید نباشد, می توانم انگشتان شما را بشمارم. من همیشه می گویم بینایی ام طوری است که انگار دوش آب داغ گرفتید و در آینه بخار گرفته حمام نگاه می کنید. فقط اشیا و سایه های محو می بینید.
محیط برنامه مستر شف به خاطر نور روشنی که در صحنه استفاده می شود بسیار چالش برانگیز بود. مردمک هایم مدام گشاد می شدند و اوایل خیلی مشکل داشتم. او به کمک عصا وابزارهای کمک کننده بینایی, در آشپزخانه حرکت می کرد و با برداشتن موانع بسیار, رقبا را کنار زد.
او در مورد شرایط و درجه بینایی اش با تهیه کنندگان و شبکه روراست و صادق بود و با آنها صحبت کرده بود.
کریستین می گوید که عکس العمل خانواده و طرفداران نسبت به برنامه مثبت بوده است. فوران حمایتی که از افراد غریبه دریافت می کنید فوق العاده است.
ایمیل های زیبایی از طرفداران می گرفتم که می گفتند, مثلا الهام بخش فردی شدم تا به تیم فوتبال مدرسه بپیوندد. بسیار خارق العاده است که بتوانید زندگی دیگران را در جهت مثبتی تحت تاثیر قرار دهید.

# چه ورزش‌هایی را می‌توان بر روی ویلچر انجام داد؟

ترجمه: بهناز ضبیحی

افرادی که دارای ویلچر هستند، می توانند در ورزش‌هایی متناسب با توانایی‌های خود از سرگرمی و رقابت برخوردار شوند. بیشتر ورزش های مرتبط با ویلچر از برخی از محبوب‌ترین ورزش ها اقتباس شده اند. ورزش با ویلچر اختراع شد زیرا آگاهی عمومی جدیدی در مورد افراد معلول که از وقایع ورزشی و ورزش کنار گذاشته شده بودند، به وجود آمد.

در حالی که ورزش‌های بر روی ویلچر بسیار شبیه به منابع ورزشی آن است، اما در قوانین و مقررات اختلافاتی وجود دارد که بتواند به طور کلی این ورزش‌ها را با شرایط مختلف سازگار کند. آنچه که بیشترین توجه را به این ایده جلب می کند این است که همه، بدون توجه به شرایطشان، باید بتوانند از ورزش لذت ببرند.

ورزش های زیادی با ویلچر وجود دارند که می توانید بازی کنید

ورزش هایی که افراد در صندلی های چرخدار می توانند بازی کنند شامل برخی از موارد زیر است: بیسبال، بسکتبال، فوتبال، هاکی، بولینگ، تنیس، تنیس روی میز و اتومبیل‌رانی.

اکثر این ورزش ها بر روی صندلی های چرخدار دستی انجام می شوند، بیشتر صندلی های چرخدار دستی که برای این ورزش ها استفاده می شوند به طور ویژه ای مخصوص این ورزش‌ها و مطابق با شرایط آنها ساخته می‌شوند. به همین دلیل است که برخی از صندلی های چرخدار دستی که برای ورزش استفاده می شوند دارای چرخ های عقب زاویه دار هستند که به کاربر اجازه می دهد از ثبات بیشتری برخوردار باشد و در عین حال در هنگام برخورد بازیکنان نیز آسیب های جسمی را متحمل می شود.

ورزش های اقتباس شده ی دیگری برای استفاده کنندگان از صندلی های چرخدار وجود دارد که نیاز به استفاده از صندلی های چرخدار برقی توسط هر بازیکن است، این نوع ورزش منحصر به فرد تر از ورزش های دستی با ویلچر است زیرا کاربران به نسبت محدودیت کمتری در آن دارند.

محبوب ترین ورزشی که برای کاربران با ویلچر تطبیق داده می شود، بسکتبال با ویلچر است. آگاهی عمومی برای این ورزش زیاد است و احتمالاً بیشترین طرفدار را دارد.

اولین نمونه بسکتبال که برای کاربران ویلچر تطبیق داده شد در سال ۱۹۵۶ بود که به Pan Am Jets معرفی شد. همه چیز با پشتیبانی در سال ۱۹۴۶ آغاز شد، وقتی که اولین بار ورزش با ویلچر به جهان معرفی شد.

صندلی های چرخدار ورزشی سفارشی

در پایان، ورزش های با ویلچر اخیراً از جانب جامعه معلولین و سایر افراد درگیر معلولیت حمایت بیشتری دریافت کرده‌اند.

شرکت‌هایی وجود دارند که صندلی‌های چرخدار ورزشی سفارشی را متناسب با کاربران ویلچرکه فعال هستند و به طور مداوم ورزش می کنند، می‌سازند. هرگز نباید از ویلچرهای روزمره خود برای بازی در ورزش‌های مرتبط با ویلچر استفاده کنید، این امر باعث ساییدگی و پارگی‌های نامنظم می شود و ممکن است طول عمر صندلی را تا نصف کاهش دهد.

رشته های ورزشی گسترده ای وجود دارند که کاملاً با کاربران ویلچر و شرایط مختلفی که ممکن است یک کاربر ویلچر داشته باشد سازگار شده است. استفاده از صندلی چرخدار به این معنا نیست که نمی توانید از سرگرمی و رقابت ورزش های با ویلچر لذت ببرید.

پس تنها کافیست ورزش مورد علاقه‌ی خود را انتخاب کنید.

# چراغ روشن

فعالیت های
کانون معلولین توانا

# چراغ روشن

۱.گرامیداشت روز معلم و تقدیر از معلمین افتخاری کانون توانا
۲.برگزاری گرامیداشت روز جهانی کار و کارگر و تبریک به صورت مجازی به دلیل شیوع کرونا
۳. انعقاد تفاهم‌نامه همکاری سازمان فنی و حرفه‌ای و کانون توانا به جهت حرفه آموزی افراد دارای معلولیت
۴.نشست با دادستان استان در راستای قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و نظارت بر مسائل حقوقی معلولین در استان
۵.گرامیداشت روز جهانی خانواده و تبریک به خانواده های افراد دارای معلولیت
۶.انتشار مجله الکترونیک شماره ۸
۷.عیادت سید محمد موسوی بنیان‌گذار کانون معلولین توانا، مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز از استاد ساربان بازیگر سینما و تلویزیون و از اعضای افتخاری فعال
۸.رونمایی از ویلچر تولیدی گروه بهداشتی فیروز و کانون توانا همتراز با استانداردهای جهانی با حضور اعضای هیأت مدیره شبکه ملی تشکل‌های غیر دولتی معلولان جسمی حرکتی کشور
۹.بازدید اعضای هیأت مدیره شبکه ملی تشکل‌های غیردولتی معلولان جسمی حرکتی کشور از کانون توانا و شرکت فیروز
۱۰.دیدار مدیر عامل و اعضای کانون معلولین توانا با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین
۱۱.ملاقات مدیر عامل و مدیران کانون توانا با شهردار قزوین
۱۲.بازدید مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین از مجموعه فعالیت های فرهنگی اجتماعی و کار آفرینی
۱۳.آغاز به کار فعالیت جهت برگزاری بیست و دومین جشنواره تشویق دانش آموزان ممتاز و رونمایی از سایت آن
۱۴.ارتباط با صداو سیما جهت ارائه معلول توانمند به مناسبت روز دختر و حضور در برنامه زنده
۱۵.دومین بیانیه کانون معلولین توانا در سازمان ملل قرائت گردید
۱۶.ارسال نامه و پیامک به نمایندگان مجلس یازدهم شورای اسلامی در راستای اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و یاد آوری بودجه معلولین
۱۷.مشارکت کال سنتر کانون توانا در فروش اینترنتی محصولات ضد عفونی گروه بهداشتی فیروز
۱۸.راه اندازی کارگاه تولید شمع توسط شعبه کانون معلولین تاکستان

# تولید آزمایشی ویلچر هم‌تراز با استانداردهای جهانی در قزوین

آئین رونمایی از ویلچر تولیدی گروه بهداشتی فیروز و کانون توانا با حضوراعضای هیأت‌مدیره شبکه ملی تشکل‌های غیردولتی معلولان جسمی‌حرکتی کشور برگزار شد.

به گزارش پیک‌توانا؛ مدیرعامل گروه بهداشتی فیروزو بنیانگذار کانون توانا فلسفه تولید این محصول را در راستای مسئولیت‌های اجتماعی سازمان خود دانست و گفت: این ویلچر هم‌تراز با بهترین نمونه‌های خارجی و مبتنی بر دانش فنی روز است که توسط گروه مهندسان مجموعه فیروز تولید شده است.

سید محمد موسوی افزود: تامین لوازم توانبخشی برای افراد دارای معلولیت هزینه‌های بالایی دارد و بیشتر معلولان به‌ویژه در شرایط سخت‌کنونی قادر به تهیه محصولات با کیفیت نیستند وهمین موضوع مسئولیت ما را در راستای تولید ویلچر و آمادگی برای ورود به این عرصه افزایش داد.

به گفته رئیس هیأت‌مدیره شبکه ملی تشکل‌های معلولان جسمی‌حرکتی کشور، قیمت لوازم توانبخشی وارداتی گران و خارج از توان معلولان است و لوازم توانبخشی تولید داخل هم متاسفانه فاقد کیفیت لازم بوده و موجب افزایش شدت معلولیت یا حتی ایجاد معلولیت‌های ثانویه در افراد می‌شود.

موسوی با اشاره به کیفیت قابل قبول ویلچر تولید شده ، ادامه داد: زیرساختهای لازم برای تولید و قالبهای این نمونه از ویلچر در حال حاضر آماده است و از نظر فنی مشکلی برای تولید این محصول وجود ندارد و درحال‌حاضر در تعداد محدود و بصورت آزمایشی تولید شده و مصمم هستیم تا پس از گذر از مراحل تست اولیه، محصول نهائی را با نازل‌ترین قیمت به دست مصرف‌کنندگان داخلی برسانیم.

این فعال حوزه معلولان کشور در ادامه با ابراز خوشحالی از به‌بار نشستن زحمات یک‌ساله سازمان خود برای تولید ویلچر سبک و با کیفیت، از مجموعه مدیران و کارکنان سازمان خود برای داشتن جهان‌بینی الهی و اینکه خود را خادم معلولان دانسته و در این مسیر خواسته‌های خود را فراموش کرده‌اند، قدردانی کرد.

تولید ویلچر قدمی بزرگ در بهبود کیفیت لوازم توانبخشی است

مدیر فنی تولید کارگاه تخصصی ویلچر نیز در این آئین، تولید این محصول را قدم بزرگی در زمینه بهبود بخشیدن به کیفیت لوازم توانبخشی مورد نیاز معلولان خواند و گفت: این اقدام در شرایط فعلی که شدیداً با مشکلات اقتصادی و. تحریم‌ها مواجه هستیم ، بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است.

وی در تشریح مشخصات فنی صندلی چرخدار تولیدی افزود : این ویلچر الگویی از یک نمونه آلمانی است، دارای قابلیت تنظیم ارتفاع، جداکردن چرخ‌ها، دسته‌ها و سایر قطعات است و تنها ۱۶کیلوگرم وزن دارد که برای حمل‌ونقل معلولان بسیار سبک و کاربردی است.

در خاتمه گفتنی است از سال ۱۳۸۰ تاکنون رویکرد مدیران گروه بهداشتی فیروز و کانون توانا مبتنی بر توانمندسازی معلولان بوده و در حال حاضر بیش از ۷۰۰ فرد دارای معلولیت جسمی- حرکتی ، نابینا و ناشنوا در این دو مرکز مشغول به کار هستند.

# تفاهم‌نامه همکاری سازمان فنی‌وحرفه‌ای و کانون توانا منعقد شد

تفاهم‌نامه همکاری دو مجموعه سازمان فنی‌وحرفه‌ای و کانون توانا با هدف مهارت‌آموزی به افراد دارای معلولیت صبح امروز به امضای مدیرعامل کانون توانا و مدیرکل فنی‌وحرفه‌ای استان قزوین رسید.

به گزارش پیک‌توانا؛ محسن مددی مدیرکل آموزش فنی و حرفه ای استان قزوین گفت: اجرای طرح مهارت‌آموزی برای جامعه بخصوص معلولان از وظایف قانونی آموزش فنی وحرفه‌ای است و اجرای این وظیفه در مورد شهروندان معلول ضرورت بیشتری دارد؛ از همین‌رو ما وارد انعقاد این تفاهم‌نامه با کانون توانا شدیم.

مددی ادامه داد: بر اساس این تفاهم‌نامه مرکز آموزش و اشتغال معلولان تأسیس خواهد شد  تا از طریق آموزش و هدایت به سمت مشاغل مناسب با تخصص افراد، گروهی از معلولان بتوانند در آینده‌ای نه چندان دور وارد بازار کار شوند.

وی از تخصیص پتانسیل‌های سازمان متبوع خویش به رشد استعدادهای معلولان خبر داد و افزود: گواهی‌های فنی و حرفه‌ای به افرادی که در این طرح آموزش ببینند اعطا می‌شود و همچنین تلاش بر این خواهد بود تا وام‌های خوداشتغالی نیز به دارندگان مهارت‌های فنی‌وحرفه‌ای تعلق گیرد.

مدیر عامل کانون معلولین توانا نیز بیان کرد: مهارت‌آموزی برای افراد

دارای معلولیت امری ضروری است و علاوه بر شکوفا کردن استعدادهای این افراد می‌تواند در یافتن مشاغل مناسب نیز به آنان کمک کند.

محمدرضا هادی‌پور عنوان کرد: معلولان برای احراز مشاغل مختلف علاوه بر تحصیلات نیاز به دیدن آموزش‌ها و کسب مهارت‌های خاصی دارند و انعقاد این تفاهم‌نامه عبور از این مسیر را برای معلولان کوتاه‌تر می‌کند.

وی ادامه داد: کانون توانا بیش از چهار هزار عضو نابینا، ناشنوا و معلول جسمی-حرکتی دارد که برای حدود هشتصد نفر ازآنان اشتغالزایی کرده است.

# دادستان قزوین: دستگاه‌ها و نهادها باید به وظایف قانونی خود در قبال معلولین عمل کنند

دادستان عمومی و انقلاب قزوین گفت: تمامی دستگاه‌ها باید به وظایف قانونی خود در قبال معلولان عمل کنند تا شرایط برای شکوفایی استعدادها و توانمندی این طیف ایجاد شود.

به گزارش پیک‌توانا؛ محمد قاسمی در دیدار با مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره کانون توانا که در دادسرای مرکز استان انجام شد، گفت: بر اساس قانون جامع حمایت از معلولین، وظایفی برای تمامی دستگاه‌ها و نهادها در قبال معلولین مشخص شده و این نهادها باید به وظایفی که قانونگذار برای آنها منظور کرده به‌درستی عمل کنند تا شرایط را برای شکوفایی استعدادها و توانمندی معلولان ایجاد کنند.

قاسمی در این دیدار کانون معلولین توانا را بستر مناسبی برای رشد افراد دارای معلولیت دانست و افزود: معلولان ظرفیت‌های بالقوه‌ای دارند و عملکرد دستگاه‌ها در زمینه‌های مختلف باید در مسیر تحقق حقوق و توانمندی‌های این افراد باشد.

وی نگاه نادرست جامعه را یکی از دلایل عدم حضور معلولان در جامعه برشمرد و با تأکید بر اینکه نهادهای متولی امر فرهنگ با فرهنگ‌سازی درست، نگاه جامعه نسبت به معلولان را اصلاح کنند، ادامه داد: متأسفانه جامعه هنوز به این باور نرسیده که معلولان نیز همانند سایر افراد عادی

جامعه حق دیده شدن دارند، درحالی‌که اگر شرایط اجتماعی برای حضور آنها فراهم باشد این طیف می‌توانند در پیشبرد اهداف جامعه تأثیرگذار باشند.

# اگر معلولین به اراده و توانمندی خود واقف شوند، می توانند کارهای بزرگی کنند که انسانهای سالم از انجام آن بر نمی آیند

اگر معلولین به اراده و توانمندی خود واقف شوند، می‌توانند کارهای بزرگی کنند که انسانهای سالم از انجام آن بر نمی آیند

دیدار مدیرعامل و اعضای کانون معلولین توانا با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین در دفتر مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین محمد حسین اسماعیلی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در دیدار با مدیرعامل و اعضای کانون معلولین توانای استان ضمن تبریک میلاد امام رضا علیه السلام بیان داشت: آدمی از وجود این همه توانایی و استعداد و نوآوری و ابتکار و خلاقیت در حوزه معلولین بسیار مشعوف می شود.

اسماعیلی ادامه داد: امروزه ثابت شده است کسانی که معلولیتی دارند واقعا اگر به اراده و توانمندی خود واقف شوند می‌توانند کارهای بزرگی کنند.

وی افزود: انسان از وجود این همه اراده و توانمندی که در میان معلولین وجود دارد واقعا شگفت زده می شود چراکه گاهی آنها کارهایی انجام می دهند که انسانهای سالم از انجام آن بر نمی آیند ولی یک فرد معلول با توجه به عزم و اراده و درون مایه قوی که دارد کارهای بسیار بزرگی را انجام می‌دهد که حتی انسان های سالم نیز نمی توانند آن را انجام دهند.

اسماعیلی اظهار داشت: امروزه می بینیم که بسیاری از معلولین ما در بسیاری از زمینه‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی، دانشگاهی و موفق ترین انسان ها هستند و خودشان می توانند به عنوان الگوی یک انسان موفق و توانمند برای همه اقشار مردم باشند.

این مقام مسئول افزود: وجود روحیه قوی و شادابی که در این عزیزان وجود دارد می تواند برای همگان الگو و درسی باشد.

وی سپس از فعالیت های کانون معلولین توانای استان تقدیر و تشکر کرد و تلاش در راستای اجرای سیاست تغییر نگاه جامعه نسبت به معلولین را تحسین کرد چرا که این رویکرد سبب شده نگاه مردم استان قزوین که استانی فرهنگی و تاریخی و دارای پیشینه قوی است در این خصوص عوض

شود.

اسماعیلی ادامه داد: امیدوارم با همین میزان توان ، قدرت و انگیزه عالی به مسیرتان ادامه دهید و گام فراتر نهاده و در سطح ملی و بین المللی موفقیت های بیشتری کسب کنید.

اسماعیلی عنوان داشت ما نیز در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان با آنچه در توان داریم از شما حمایت خواهیم کرد و در اجرای جشنواره هایی که برای معلولین برگزار می شود هر کمکی از دستمان بر بیاید انجام خواهیم داد.

وی در پایان بیان داشت: ما به منظور رشد و پرورش استعدادهای هنری معلولین استان ، از افراد معلول مستعد حمایت کرده و هزینه آموزش آنان را در زمینه های مختلف فرهنگی هنری تقبل خواهیم کرد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین ابراز امیدواری کرد تا با کمک اعضای هیئت مدیره معلولین استان بتوان گام های مثبت و مثمر ثمری در زمینه های مختلف فرهنگی و هنری برای معلولین استان برداشت.

# شهردار قزوین: تعیین مشاور معلول در امور مناسب‌سازی ویژه معلولان جسمی حرکتی ضروری است

شهردار قزوین در نشست با مدیرعامل و مدیران کانون توانا تأکید کرد: تعیین یک مشاور از جنس افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی در امور مناسب‌سازی ویژه این طیف ضروری است.

به گزارش پیک‌توانا؛ سیاوش طاهرخانی در این دیدار تصریح کرد: اگرچه معلولان ۱۰ درصد جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند اما سهم آنان در مناسب‌سازی و تخصیص امکانات باید بیشتر از این میزان باشد.

وی با بیان این مطلب که مقوله مناسب‌سازی فقط ویژه معلولان نیست، افزود: گروه‌های مختلف جامعه از جمله زنان باردار، کودکان و جانبازان عزیز نیز در امور خود نیازمند مناسب‌سازی هستند و علاوه بر آن امروز با افزایش تعداد سالمندان این بحث به یکی از اصول مهم شهرسازی تبدیل شده است.

شهردار قزوین با اشاره به لزوم دسترس‌پذیری شهری برای طیف معلول، نسبت به تعبیه پل مقابل کانون توانا اعلام آمادگی کرد و گفت: در این زمینه آماده هرگونه همکاری و مساعدت هستیم.

دسترس‌پذیری شهری، ضرورت تردد عادی معلولان است

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر نیز در این نشست دسترس‌پذیری شهری را ضرورتی برای تردد عادی معلولان در شهر خواند و تصریح کرد: عدم توجه به این مهم مصادف با قرنطینه‌سازی دائمی معلولان در منازلشان است و این درحالی است که همه ما در دوران قرنطینه کرونا سختی در خانه ماندن اجباری را تجربه کرده‌ایم.

مهدیه‌سادات قافله‌باشی با بیان این مطلب که همه ما با معلولیت در حد عبور از یک خیابان فاصله داریم، اذعان داشت: پارک‌های سطح شهر تنها مکان تفریحی در سطح شهر هستند و ورود به آنها نباید با موانع، پله و لوله‌های یو شکل مسدود شود.

سخنگوی شورای اسلامی شهر قزوین از تجهیز ساختمان شهرداری‌های مراکز به آسانسور خبر داد و با بیان این مطلب که: رعایت اصول مناسب‌سازی هم‌اکنون در بسیاری از محورها و پروژه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد تأکید کرد: این رویه هنوز کافی نیست و باید پررنگ‌تر مورد توجه قرار گیرد.

وی سرای سعدالسلطنه را از جمله مجموعه‌های فاقد مناسب‌سازی و فاقد

قابلیت دسترسی برای معلولان نام برد و گفت: در این مجموعه شیب‌ها به‌گونه‌ای تعبیه شده که حتی برای افراد تندرست و مادران دارای کالسکه کودک هم قابل استفاده نیست.

کانون توانا، قزوین را به پایلوت اشتغال معلولان تبدیل کرده

مدیرعامل کانون توانا نیز در این نشست تأکید کرد: کانون توانا با ایجاد حدود هزار فرصت شغلی برای معلولان، شهر قزوین را به پایلوت اشتغال معلولان تبدیل کرده و انتظار می‌رود مسئولان نیز در تسهیل امور این گروه مساعدت‌های لازم را مبذول کنند.محمدرضا هادی‌پور ادامه داد: کانون توانا بیش از چهار هزار عضو معلول دارد که ماهانه بیش از هزار نفر از آنان برای دریافت خدمات درمانی، آموزشی، فرهنگی، حقوقی، ورزشی به این مجموعه رفت و آمد دارند و انسداد خیابان مقابل کانون توانا علاوه بر افزایش هزینه‌های تردد، در دسترسی این تعداد مراجعه‌کننده ایجاد مشکل کرده است.شهردار قزوین در پایان از انتخاب حسین طارمیان از اعضای کانون معلولین توانا به‌عنوان مشاور خود در امر مناسب‌سازی ویژه معلولان جسمی‌حرکتی خبر داد.

# دیدار مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین از کانون معلولین توانا

محمدحسین اسماعیلی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین از کانون معلولین توانا استان دیدار کرد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین در این دیدار محمدحسین اسماعیلی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بیان داشت: حوزه فرهنگ حوزه بسیار گسترده و در عین حال پیچیده ای است و به عبارتی هم سهل و هم ممتنع است.

وی گفت: نگاهی که مردم به یک معلول دارند و نگاهی که یک معلول به جامعه دارد، بستگی به نوع فرهنگ افراد، متفاوت است و در جامعه کنونی ما نگاه منفی نسبت به معلولیت وجود ندارد بلکه نگاه مردم نگاهی دلسوزانه و کمک کننده است.

اسماعیلی ادامه داد: باید در حوزه فرهنگ تنها به شعار نپردازیم و بیشتر عمل کننده باشیم و باید نگاهمان را به صورت محلی داشته باشیم یعنی ما در قزوین زندگی می‌کنیم و خیلی از مسائل را در همین استان خودمان می توانیم حل کنیم یعنی بحث کمبود اعتبار، موازی کاری های دستگاه‌های فرهنگی و هنری ، اجتماعی و اجرایی در حد خود قابل حل است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تشریح کرد: معلولین باید بتوانند میان دستگاه های اجرایی و فرهنگی حساسیت زایی کنند و متولیان امر نیز باید در این زمینه برنامه ریزی های دقیقی صورت دهند.

این مقام مسئول نام گذاری کانون معلولین استان را به "کانون معلولین توانا" بسیار با مسما و هوشمندانه دانست و گفت: با وجود تمام ضعف ها

و محدودیت هایی که داریم می توانیم با کمک و یاری و همدلی یکدیگر گام‌های مثبتی در این زمینه برداریم و امیدواریم با انعقاد تفاهم نامه ای با شما بتوانیم در کنار همدیگر فعالیت های مثمر ثمری را در زمینه فرهنگ سازی جامع در حوزه معلولین از طریق رسانه ها، فضای مجازی و برگزاری جشنواره های مختلف داشته باشیم.

در ادامه این دیدار، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین و هیات همراه به بازدید از بخش های مختلف این کانون پرداختند.

ادب و هنر

# هنر شغلِ من نیست شوقِ من است

مهدیه برنگ

در شرایط کنونی که افراد دارای معلولیت به دلیل بی مهری روزگار و عدم مناسب سازی جامعه و حتی نداشتن استقلال مالی، مجبورند بیشتر اوقات خود را در منزل سپری‌کنند و این سکون و عدم حضور در جامعه مساوی با عدم برابری آنها با افراد تندرست می‌باشد و در نهایت، ناامیدی، بدخلقی و گوشه گیری را برای این افراد به همراه می‌آورد، اما آیا می‌توان این شرایط را کمی بهبود بخشید؟ جواب ما بله است زیرا می‌توان با حداقل امکانات و کمترین هزینه با آموزشهای صنایع دستی در غالب هنری که گنجینه‌ای از فرهنگ و تمدن اقوام مختلف را از گذشته تا به امروز به دوش می‌کشد، همان هنری که احساس و ذوق هنرمند را در خود جای داده است به زندگی یک فرد دارای معلولیت جان تازه ای بخشید، از آنجایی که عمدتا مواد اولیه صنایع دستی برگرفته از طبیعت است روح تازه ای را ناخودآگاه به مصرف کننده و تولید کننده القا می‌کند. مثلا در آن زمان که یک فرد دارای محدودیت با دستان توانمند خود یک قطعه چوبی بی روح را جانی دوباره می‌بخشد در اصل رنگ و نقش‌های چوب است که به این فرد زندگی‌ای پر از امید و نشاط تزریق می‌کند.

برای مثال بگذارید شما را با فردی آشناکنیم که هنر، رابطه مستقیم برای غلبه بر معلولیتش داشته است.

او فردیست که در زمستان سال ۱۳۵۷ در رفسنجان به دنیا آمد اما تنها با گذشت ۳ ماه از متولد شدنش یکی از قربانیان بیماری فلج اطفال شد و از آن لحظه مسیر پر پیچ و خم زندگی، همراه با معلولیت برای او و خانواده اش شکل جدیدی گرفت، بهترین روزها از سال‌های زندگی او با این بیماری همراه شد تا فرارسیدن زمانی‌که او متوجه علاقه عمیقش به هنرشده و علی‌رغم تحصیل در رشته تجربی، خود را برای کنکور هنر آماده کرد؛ تا اینکه با پشت کار و همت فراوان توانست در رشته صنایع دستی مدرک کارشناسی ارشد را کسب کند، بدون شک اگر او به هنر علاقه‌ای نداشت شاید قادر نبود سختی مسیر پیش رو را با کفش‌های آهنی و عصا طی‌کند، آری دوری از خانواده و گذراندن زندگی در شهر بزرگی چون تهران و اصفهان برای او که از یک شهرستان کوچک آمده بود چالشی بزرگ محسوب می‌شد، اما او با هر آموزشی که در این رشته می‌گرفت سعی می‌کرد آن را به نزدیکان و دوستان خود آموزش‌دهد که این باعث شد تجربه هایی در این زمینه بدست آورد و به دنبال آن با تلاش فراوان مجوز آموزشگاه هنری خود را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفت، و محکم تر از همیشه آموزش را به صورت عمومی آغاز کرد، و در کنار آن محصولاتی از هنر صنایع دستی تولید می‌کرد و با ارائه آنها در نمایشگاه های مختلف علاوه بر ایجاد منبع درآمد و آشنایی با افراد مختلف به واسطه این هنر دایره دوستانش وسیع تر و اعتماد به نفس او بالاتر می‌رفت، و نقطه عطف زندگی اش همین بود که با روحیه و انرژی مضاعف، یک کارگاه تولیدی چرم دست دوز را با کمک خواهرش راه اندازی کند و حتی با آموزش به افراد دارای معلولیت و غیر معلول آنان را در آماده سازی تولیدات خود نسبت به نیاز بازار همراهی کند و اکنون در آموزشگاه هنری خود در رشته های مشبک، معرق، تذهیب و چرم تعداد زیادی هنرآموز دارد و هدفش ایجاد اشتغال برای تعدادی از معلولان هنر دوست است.

او نامش مهدیه کاظمی است و در این گفتگو به جرأت می‌گوید: هنر شغل من نیست بلکه شوق زندگی من است اما تأکید من بر این است که این شوق به زندگی نیازمند حمایت‌هایی از طرف مسؤلین است زیرا افراد دارای معلولیت که پا در این عرصه می گذارند به خاطر محدودیت‌هایی که جامعه برای آنها ایجاد می‌کند نمی‌توانند هنر دستان توانمندشان را برای عموم مردم ارائه دهند، بنابراین بیایید با آموزش هنر صنایع دستی به افراد دارای معلولیت این عزیزان را برای رسیدن به یک زندگی آرام و استقلال مالی حمایت کنیم زیرا عدم استقلال مالی یعنی نادیده گرفتن آرزو های هر چند کوچک.

**بهار مهدوی،(نابینا از شهر تاکستان)**

**مهدیه برنگ**

گاه آدمی در کمالِ سکوت فریاد ها می زند, بی صدا بی داد می کند, گاه آنقدر در خلوتِ خود می دَوَد , آنقدر می دَوَد که بلکه بتواند نقطه ای غرق در دویدن شود و از دغدغه ی نفس تنگی حتی لحظه ای بی خیالِ همه چیز شود , تا شاید بتواند برای مدتی کوتاه از پشتِ پنجره ی غبار آلود به روزهای خاکستریِ عمرش بنگرد, و بی اندیشیدن به همه چیز آزادانه تنفس کند. گاه می خواهد همانندِ ابرِ بهاری بی دلیل آسمانِ آبی، و لبخندِ خورشید را بهم بریزد، و بی آنکه چیزی بگوید، هوایِ دلش را بارانی کند، و به قدری ببارد که از ته دل آرام بگیرد، کسی برای رعد و برق هایی که می زند سرزنشش نکند، بازپرسی نکند، فقط و فقط بی پایان محبت کند... عشق بورزد... از ته دل بکوشد تا آرامت کند... اما نصیحتت نکند. ولی افسوس که نه فریادها را کسی می شنَوَد, نه در ذهنِ آدمی جایی برای دویدن هست، و نه کسی که بخواهد عاشقانه عشق بورزد و آرامت کند.

کاش می شد شدتِ دلتنگی را نوشت، کاش می شد شیشه ی حرمت را شکست، کاش می شد دوست داشتن را سکوت نکرد، کاش می شد بی بهانه بود، کاش می شد بی ابهام شب و روز را سپری کرد، کاش می شد خاطره ی خوش بود، کاش میشد شادی را در دست گرفت، کاش می شد هوایش را در مشت اسیر کرد، کاش می شد صداهای گوشنواز هرگز اتمام نپذیرند، کاش می شد سخن های دل انگیز را همیشه شنید، کاش می شد عطرِ احساسِ وجود را برای همیشه در سینه حفظ کرد، کاش می شد نگاهِ پر مهر را فیلم گرفت و روی تکرار قرار داد، کاش می شد دلخوشی های ناچیز را اندک اندک به اوج رساند، کاش می شد شادی همیشه مقدم بر همه چیز باشد، کاش می شد حسادت از بین برود، کاش می شد چاهی به متراژ محبت حفر کرد و کینه و قضاوت های بی مورد را در آن ریخت، کاش می شد پایِ مشکلات و درگیری ها را قطع کرد تا دیگر در ذهن نفوذ نکنند، کاش می شد در اوجِ آرامش و دلخوشی با مهتاب وداع کرد، کاش می شد آنقدری همه چیز خوب باشد که نیاز به تنهایی نداشته باشیم تا ببباریم، کاش می شد دوباره به دورانِ کودکی بازگشت و برای خریدنِ عروسکِ پشتِ شیشه پا بر زمین کوبید، کاش می شد باز هم تنها سوالِ مبهم در ذهن این باشد که کی به مدرسه میروم؟؟ ، کاش می شد شدتِ ماه بودنِ بعضی ها را ابراز کرد، کاش می شد انتظار را نپذیرفت، کاش می شد آنقدری با نازنین ها وقت گذراند و دیگر حسرتِ شنیدنِ صدایشان را نداشت، کاش میشد یادگاری هایشان را از خود حتی ذره ای دور نکرد، کاش می شد محبتهایشان را با طلا نوشت، کاش می شد در بیانِ بعضی چیزها معذور نبود، و کاش می شد با عمقِ جان عاشقانه زیست.

## درباره نویسنده

نویسنده این دو کتاب جذاب و خواندنی این شماره از معرفی کتاب "پیک توانا" نامش مریم آقانوری متولد شده اصفهان در سال ۱۳۵۲ است.

نویسنده این دو اثر از شش ماهگی دچار معلولیت فلج اطفال می شود و طبیعی است که معلولیت برای او از همان ابتدا با دردسرهایی همراه بوده است، دردسرهایی که نه فقط برای او بلکه برای سایر هم نوعانش هم بوده و لذا همین موضوع باعث می شود که او بنویسد برخی از کمی ها و کاستیها را، آرزوها و موفقیتها را...

از زبان نویسنده: این مجموعه بیان گوشه ای هر چند ناچیز از واقعیات زندگی افراد توانمند در قالب داستانهای کوتاه است، واقعیاتی که متاسفانه اگر چه در ظاهر ساده ولی موجب بروز مشکلاتی برای این عزیزان بوده و هست، لذا از خوانندگان محترم استدعا دارم با دیدی باز و نگاهی عمیق این مجموعه را مطالعه و غبار بی توجهی و غفلت را از دیدگان بزدایند و از این پس به جای نگاه به کمبودها و نقص عضو این عزیزان و دیدی همراه با ترحم، موفقیتها و جایگاه خاص آن عزیزان را مد نظر قرار دهند.

## درباره کتاب

مجموعه اشعار ۸۰۰ بیتی از کتاب "فریاد خاموش" که بیت های آغازین آن زندگینامه خود شاعر است و بیشتر اشعار کلاسیک در قالب غزل، قصیده، دوبیتی و ۴ شعر نو یا نیمایی در آخر کتاب سروده شده است؛ مضامین اشعار متنوع و اغلب مذهبی می‌باشد که نویسنده ۱۴ شعر از کتابش را به امام زمان (ع) تقدیم کرده است به همین دلیل در ابتدای کتاب نیز شروعش با نام آن حضرت است.

و اما کتاب دوم از این نویسنده به نام "آدمهای بلورین" به چاپ رسیده است، این کتاب شامل ۲۴ داستان کوتاه پیرامون بررسی زندگی افراد دارای معلولیت در راستای توانمندی‌ها، موفقیت ها، معضلات و مشکلات و البته حرف های دل این قشر می‌باشد...

اکثر داستان ها واقعی وبرخی هم شخصیت واقعی ندارند. اشخاص به کار برده شده در این داستان ها شامل معلولین جسمی حرکتی، ناشنوا، کوتاه قامت و دو داستان در رابطه با افراد نابینا و چند معلولیت دیگر هستند.

هدف اصلی نویسنده از نگارش این کتاب شناساندن این افراد، هر چند کوتاه به افراد تندرست و تغییر نگرش منفی جامعه به این گروه است، همچنین یادآوری سلامتی و اینکه هیچ شخصی از یک ثانیه دیگر خود خبر ندارد مانند چند شخصیت از داستانها که یک عمر در سلامت کامل بوده اند و یکباره دچار نقص عضو شده اند.

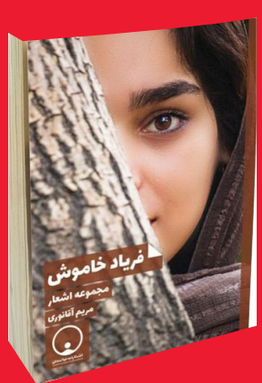

در نیمروزی بارانی پی رود
کلبی با آهویی در گفت و شنود
کلب می نالید ز پیشانی نوشت
از نگارنده که وجودش سرشت
در پی نان خوانده گشتیم هرزه گرد
دسته ای در یوغ و مانا در نبرد
از چه آدم این همه افضل فتاد
زندگانی بهر ما معضل فتاد
از سوالش غم بر آهو چیره گشت
سر برآورد و به شهر، خیره گشت
در تعقل بود چه گوید پاسخش
ناگهان بانگی، پراند رنگ از رخش
هر سو چرخاند سر، از بیم شکار
آسمان شهر دید، چون شب تار
خواست تا لب وا کند بر انتقاد
ناگه آمد پاسخش او را به یاد
گفت آدمی را هست نعمات بسیار
افضل آن باشد، عقل و اختیار
از خرد گرچه ز موجودات سر است
هرکه این دارد، محکش بیشتر است
دستها از این همه بذل شاکرند
خرسند از روزی خویش و ذاکرند
لیک گروهی را خدایی نیت است
هستشان چرکین، به منیت است
هستی ز فسق آدمی در امنیت نیست
چیزی شبیه جانشان بی اهمیت نیست
آدم زمین را باعث رنج و فضاحت شد
حدی که حیوان را از او قصد برائت شد
از کوسه ی دریا تا کفتار در دشت
از هرچه اندیشی او درنده تر گشت
واگو کجا کلب جگر کلب تناول کرد
واکو کجا آهویی با آهو تقابل کرد
اینسان که آدم با خودش بر سرجنگ است
من مفتخر بر خویشم آدم بودنم ننگ است

امیددرخشان(منصورکوهی)
(دارای معلولیت نخاعی از شهر نکا)

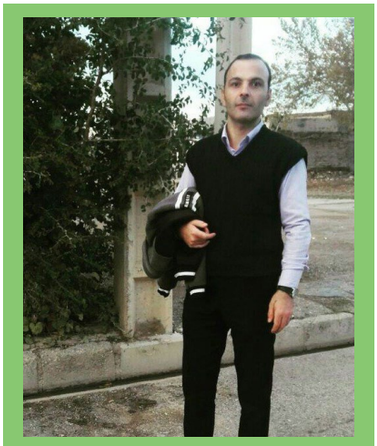

سالیانیست که من غمزده ی کوی توأم
با نگاه بی قرارم همه جا سوی توأم
من که پیر غم ایام و خیال خویشم
درمیان یک چَمن گل در پی بوی توأم
سالیانیست که می نالم ازاین درد دلم
در ورای شب تارم پی گیسوی توأم
سالها پیش دلم جای کف و شادی بود
من هم اکنون همه جا در پی هوهوی توأم
من که دانم سخنت مرهم هر بیماریست
که به دنبال شفای دل و داروی توأم
تو ندانی کَه مراد دل بیمارم چیست
من که آشفته آن پیچ و خم موی توأم
من همان اشکم و از دیده چَکیدم اکنون
که سرازیر زِ مژگان و سرو روی توأم

علی کشوری متخلص به شمع ایستاده
دارای معلولیت جسمی حرکتی، از کرج

دل را رها کن باز شعری تازه تر گو
از شبنم چشمان شمعی تا سحر گو
بگذار تا زخم دلت سر واکند تا
یک چشمه جوشد از غزل، با چشم تر گو
یک گوشه از زندان تن بنشین دوباره
پرواز را تفسیر کن از بال و پر گو
قفل در گنجینه اسرار بشکن
از عشق، از راز شقایق، از سفر گو
دستم قلم را تا کجاهاا می کشاند
از داستان کوچه و از پشت در گو
باید بگیرم تا قیامت قصه از سر
با من فقط از سر نی از سر سر گو

معصومه احمدپور
شاعر دارای معلولیت
(جسمی-حرکتی) از مبارکه

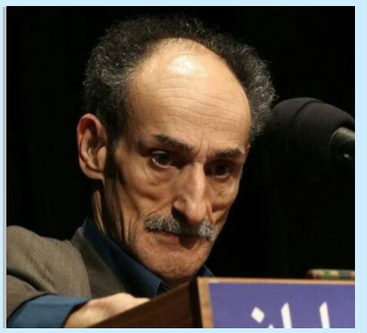

در اطراف رویاهای عاشقانه ام
خط فاصله می گذارم
من دور می شوم
تو نزدیک می شوی
حالا بگو
ما
کی به هم می رسیم

سیروس ذکایی، (شاعر دارای معلولیت
سی پی از تهران)

مقصود من از رکوع و سجود تکریم توست یا رب
بر روی خاک سر نهادن تعظیم توست یا رب
چراغ خانه عشق زینت هر دیار است
عطر حیات وجود تعظیم توست یا رب
اوج بندگی مان هست آیینه حق
بانگ برپایی عشاق تکریم توست یا رب
به قصد پرستش تو افتاده ام به خاکت
قدر شناسی ام را تقدیر توست یا رب
به قصد قربت تو وضو گرفتم از خون
وضو گرفتنم را تطهیر از توست یا رب
شکستن بت ها را دل کندن دنیا را
حضور قلب ما را تعبیر تو ست یا رب
بندگی و کرنشم عرض نیازها بود
فروغ و امید عشق تاثیر از توست یا رب
دعا و ندبه گفتن از بنده ی حقیرت
روح عبادتم را تاثیر از توست یا رب
محبوب خاشعان را دلهای عاشقان را
گنجینه ی قیامت تکبیر توست یا رب
نور چشم محمد ستون دین نماز است
دیده ی ایمان من اسیر توست یا رب
قله ی بالندگی پیام مکتب من
کتاب هستی ما تکبیر توست یا رب

لیلا طاهری نژاد( شاعر ناشنوا از خوزستان)

# تا به آرزوهایم نرسم نخواهم مرد

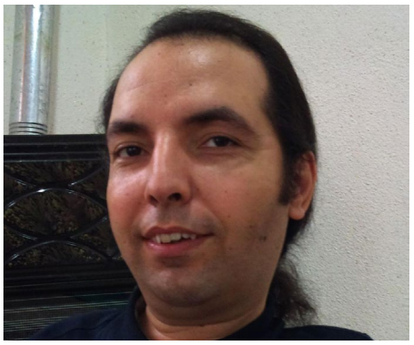

جمله ای که در زمان گفتگو بیشتر از زبانش می‌شنیدم و تکرار می کرد تا به آرزوهایم نرسم نخواهم مرد.

نامش **سید علی موسوی سواد کوهی** و یکی از شاعران دارای معلولیت است، پسوند سواد کوهی را به دلیل اینکه با شاعران بزرگی همچون سید علی موسوی گرمارودی و یا سید علی موسوی اردبیلی اشتباه نشود خود او انتخاب کرده است.

او زاده سواد کوه مازندران شهر زیبای پل سفید است. آنها ۷ خواهر و برادرند، او فرزند سوم خانواده می‌باشدو در شهریور سال ۹۹ وارد سن ۴۱ سالگی می‌شود.

داستان زندگی علی موسوی را از زبان خودش می شنویم: من از فرزندان سواد کوه هستم و ۳۲ سال از روزهای خوب و بد کودکی، نوجوانی و جوانی خود در دل مازندران سپری کرده ام و پس از یکسری اتفاقات کوچک و بزرگ به مرکز استان مهاجرت کردیم.

قصه از آنجا شروع شد، ۸ ماه بیشتر نداشتم که پدر و مادر متوجه معلولیت من شدند آنها به هر طریقی که بود برای درمان و بهبود شرایط من تلاش کردند و ازاین مطب به آن مطب در رفت و آمد بودند، تا سن ۱۵ سالگی این روند ادامه پیدا کرد تا جلوی پیشرفت معلولیت گرفته شود و باید گفت بی تأثیر هم نبود. در کودکی شرایط جسمی بهتری داشتم کارهایی مانند غذا خوردن، مسواک زدن و...از مواردی بود که من قادر به انجام آنها بودم اما به مرور زمان و در سن بزرگسالی شرایط کاملا تغییر کرد و امروز در لحظه ای هستم که فقط میتوانم صحبت کنم، و با یک انگشت شست تمام کارهایم را انجام دهم از جمله نوشتن که مهم ترین آنهاست. اگر بخواهم یک تعریف کلی از بیماری خود ارائه بدهم باید بگویم روند این بیماری به گونه ای است که به غیر از یک انگشت و زبان تمام اندام های حرکتی من را از کار انداخته است، در واقع این بیماری نوعی سی پی عضلانی محسوب می شود و طبق گفته پزشکان از هر ۱۰ هزار نفر جمعیت ۱ نفر به این بیماری مبتلا می شود. این معلولیت جزو بیماری های نادر می باشد و هیچ دارویی تا کنون برای بیماری ما اختراع نشده است.

## علی‌را به مرکز نگهداری معلولین بسپارید

هنگامی‌که این بیماری عجیب و غریب خود را در ظاهر من نمایان کرد ابتدا برای پدر و مادرم یک شوک بود اما این دلیل بر آن نمی شد که بخواهند بین من و سایر فرزندان تفاوتی قائل شوند، حتی خانواده مادری و پدری به پدر و مادرم پیشنهاد دادندعلی را به مرکز نگهداری معلولین بسپارید آنجا برایش مناسب‌تر است اما با پافشاری های مادرم من در کنار آنها ماندم انگار به دلش افتاده بود علی فرزند متفاوت آن ها روزی به جایی می رسد که بتواند آنقدر مرد بزرگی شود که جواب آن حرف سنگین فامیل ها و اقوام را بدهد. آنها هیچ وقت اجازه ندادند که من در دل خود احساس کنم که یک فرزند اضافی و سربار خانواده هستم.

## آموزش و پرورش مقاومت می کرد

او در ادامه می گوید: مانند همه هم سن و سالهایم منتظر ورود به مدرسه بودم، تا روزی فرا رسید که برای ثبت نام راهی شدیم اما در کمال ناباوری مسؤلین مدرسه و آموزش و پرورش از پذیرفتن من اجتناب کرده و حتی برای جلوگیری از ورودم به مدرسه مقاومت کردند، اما باز هم با تلاش های مجدد مادرم و پافشاری پدرم بلاخره نیمکتی از کلاس را به من اختصاص دادند که مانند سایر دانش آموزان استفاده از آن حق من بود.

از آنجایی که مسافت خانه تا مدرسه یک کیلومتر بود مادر مجبور می شد من را به کول بگیرد و به مدرسه برساند و همچنین پدر هنگام بازگشت همین کار را انجام می داد، و به مرور زمان این جا به جایی باعث شد این دو عزیزتر از جانِ من آسیب جدی از ناحیه کمر ببینند و حتی به مرحله جراحی برسند. شاید بهتر است بگویم با وجود اینکه عاشق درس خواندن بودم اما این عشق برایم گران تمام شد...

پس از اتمام دوران ابتدایی و به دلیل سختی هایی که در این دوران به جان خریدم باید فکری به حال ادامه راه می کردم بنابراین از آنجایی که از نظر هوش و استعداد چند پله بالاتر از دوستانم بودم و می توانستم به تنهایی درس بخوانم تصمیم گرفتم دوران راهنمایی و دبیرستان را به طور خود آموز بدون معلم و در خانه ادامه تحصیل دهم و فقط برای امتحانات در مدرسه حضور داشته باشم اما با این وجود باز هم موفق به اتمام این دوره شدم. ورود به دانشگاه و حضور در این اجتماع کوچک یکی از آرزوهای من بود که خوشبختانه توانستم در رشته روانشناسی قبول شده و تحصیل را با تمام مشقت هایش ادامه دهم اما متأسفانه پس از جراحی پدرم از ناحیه کمر به علت مشکلاتی در رفت و آمد و حمل و نقل مجبور به ترک تحصیل بعد از چند ترم شدم، به

جرأت میتوانم بگویم اگر همین امروز هم در سن ۴۱ سالگی شرایط تحصیل داشته باشم با کمال میل می پذیرم زیرا چه مکانی بهتر از دانشگاه برای رشد کردن و بزرگ شدن در این دنیا است؟

**بهترین نقطه زندگی من شعر است**

۱۳ ساله بودم که دست به قلم گرفتم و شعرهای کوتاه مینوشتم اما هیچ کسی حتی خانواده ام از این موضوع اطلاعی نداشتند و ۱۷ سال به طور پنهانی نوشتن را ادامه دادم تا سن ۳۰ سالگی به صورت علنی با خانواده خود در میان گذاشتم، در نهایت در ۳۳ سالگی اولین کتاب خود را به چاپ رساندم.

کتاب"نهنگ توی تنگ" نام اولین کتاب شعر ترانه غزل که حاوی شعرهای گوناگون در زمینه های مختلف است از ما به چاپ رسیده، کتاب دومم به نام"آری این گونه است..." زندگینامه خود را پس از ۶ سال انتظار و تلاش به صورت کامل و کلمه به کلمه فقط از طریق یک انگشت خستگی ناپذیر در این کتاب نوشته و جمع آوری کرده ام، خوشبختانه این کتاب در دست چاپ است و به زودی وارد بازار می شود.

شعر نوشتن و خواندن بهترین و زیباترین نقاط زندگی من هستند به همین دلیل زمان هایی که بیشتر دلم می گیرد و روزهایی که از موضوعی ناراحت و دلگیر هستم و یا حتی اوقاتی که به کلماتی مانندعشق فکر می کنم آن لحظه است که تمام تعاریف از این کلمات، ناخودآگاه در ذهن من جا خوش میکنند و شروع میکنم به نوشتن و در واقع این کلمات در اندیشه ام خلق می شوند بدون آنکه خود بخواهم...

بگذارید با یک مثال برای شما بگویم: روزی یک نفر با تمام خودخواهی به من رو کرد و گفت: تو تا ابد باید در این خانه بمانی و چشم به در بدوزی آن لحظه بود که با وجود ناراحتی که در دلم به وجود آمد در جواب شعری برای او سرودم که کلماتش در همان لحظه خلق شدند: بذار چشمام به در باشند مهم نیست، دعاهام بی اثر باشند مهم نیست واسه این قلب چوبی شکسته بذار حرفات تبر باشند مهم نیست.

**مادرم حافظ شعرهای من است**

در ادامه می توانم به جرأت بگویم که سعدی تنها کسی است که در تمام مراحل نوشتن از او تأثیر پذیرفتم و در لحظه لحظه شعرهایم حس کردم تا بتوانم او را الگوی خوبی برای خودم قرار دهم.

جالب است بدانید یکی از مخاطبان شعرهای من مادرم هستند او با وجود اینکه سواد کافی ندارد اما بیشتر شعرهای من را حفظ می باشد و اوقات بیکاری برایم شعرخوانی میکند؛علاقه پدر به شعرهایم نیز مرا دلگرم می کند برای ادامه مسیر و ترقی در این دنیای وسیع شعر و نوشتن. از نظر من هرکسی باید برای خود کتابخانه ای داشته باشد و آن را پر کند از کتاب های خواندنی و جذاب، یکی از آرزوهایم این است که روزی برسد هر ایرانی یکی از کتاب های من را در کتابخانه خود داشته باشد.

**معلولان باید در دل اجتماع باشند**

هیچ انسانی بیهوده پا به این دنیا نگذاشته است بنابراین دوستان دارای معلولیت که به نوعی خود را باخته اند، منزوی شده و احساس بیهودگی می کنند باید از یک جایی شروع کنند و با شناخت کافی از خود و استعدادهایشان در دل جامعه حضور پیدا کنند در نهایت به آرزوهایشان برسند زیرا این افراد هستند که می توانند تأثیر گذار و فرد مفیدی باشند.

در یک جمله می توانم به هم نوعانم بگویم من به دنبال آرزوهایم در همین اجتماع هستم و یقینا تا به آرزوهایم نرسم نخواهم مرد.

**در برنده باش برنده شدم**

با دعوت به برنامه ماه عسل برای اولین بار میان هموطنان عزیزم شناخته شدم و تجربه های خوبی را کسب کردم و از همه مهم تر به این نتیجه رسیدم ما افراد دارای معلولیت هر چه بیشتر در صدا و سیما حضور پیدا کنیم بهتر می توانیم فرهنگ سازی کنیم و تغییر نگرش چشمها را به وجود آوریم. اما حضورم برای دومین بار در جلوی دوربین صداو سیما خلاف تصور مردم بود زیرا من به برنامه برنده باش دعوت نشدم بلکه با تلاش های شبانه روزی خود و خانواده ام حتی یکی از دوستانم بود که با تجربه اولین شکست برای بار دوم قوی تر و محکم تر به این برنامه پر بیننده راه پیدا کردم، حضور در برنامه برنده باش نیاز به داشتن اطلاعات بسیار بالا داشت که خوشبختانه توانستم رتبه یک را درمسابقه کسب کنم.

در این برنامه اتفاقاتی رخ داد که من مجبور به انصراف از برنامه شدم که بسا اگر انصراف نمیدادم قطعا به مراحل بالاتر پا می گذاشتم و صاحب جایزه ویژه هم میشدم اما از نظر خودم و اطمینانی که از خود دارم می گویم من در برنده باش برنده شدم.

**سؤال مهمی که از من پرسیده نشد**

نظرت در مورد ازدواج چیه؟ سوالی که من دوست داشتم در این مصاحبه از من پرسیده شود ولی نپرسیدید! به نظر من در این زمینه معلولان مورد بی مهری قرار گرفته اند زیرا ما معلولین هم یک انسانِ آفریده شده بر روی همین زمین خاکی هستیم و خالق همه ما خداوند است، هر انسانی در نهایت نیاز به یک همدم دارد تا دوش به دوش همدیگر خوشی ها و ناخوشی ها را سپری کنند از فرصت هایی که خداوند قرار داده است استفاده کنند ؛ درست است من به عنوان یک فرد دارای معلولیت از نظر ظاهری تفاوت هایی با سایر افراد تندرست دارم اما من نیز می توانم یک زندگی را اداره کنم و پدر شوم و حتی شاید موفق تر از سایرین باشم، در جمع بندی سخنان خود اگر بخواهیم از زاویه دیگر به این موضوع نگاه کنیم می بینیم که همه افراد از کنار ازدواج معلولین بی تفاوت عبور می کنند، حتی پدر و مادر من نیز جزء این افراد هستند زیرا آنها نیز تفکری دارند بر این پایه که برای ما معلولین تشکیل زندگی عواقب و سختی هایی در پی دارد در حالیکه من سیدعلی موسوی ازدواج را یکی از برنامه های زندگی ام میدانم و برای تحققش نیز تلاش میکنم.

**مهدیه برنگ**

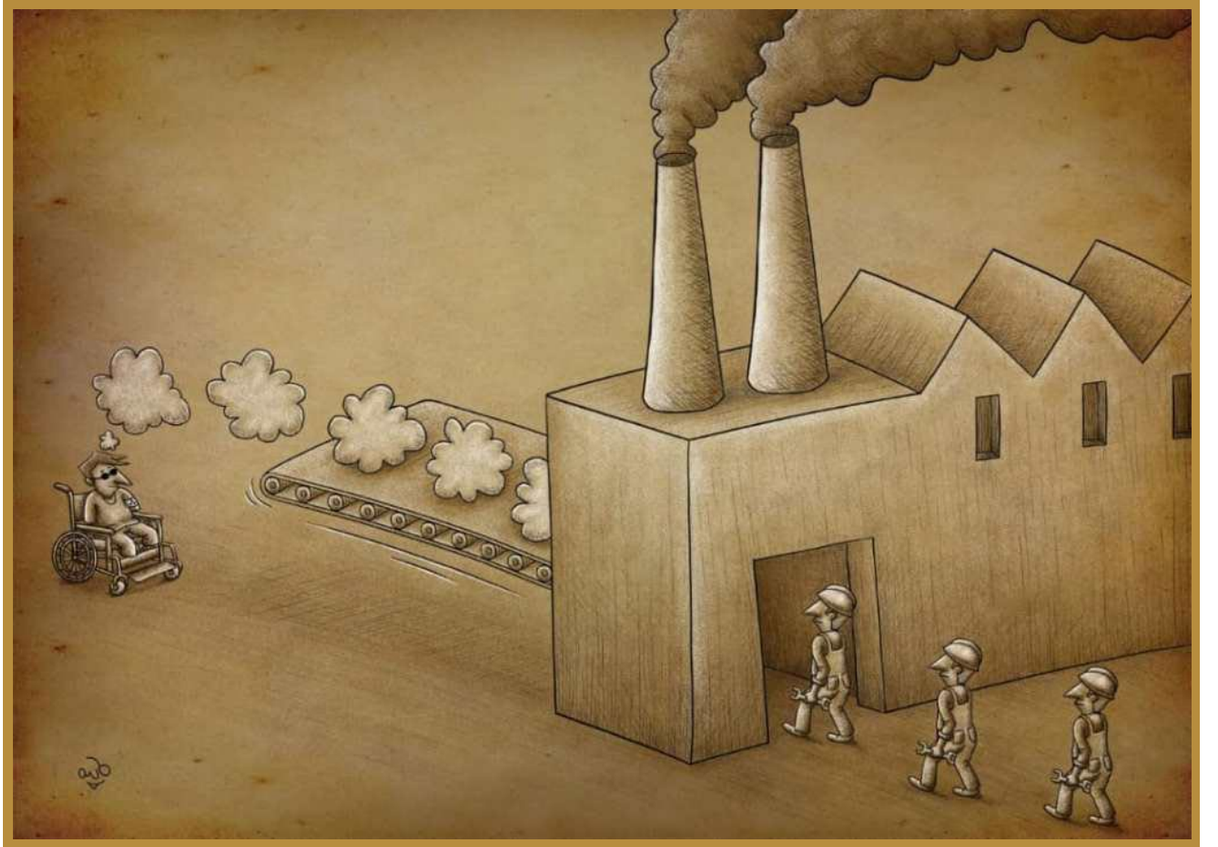

**کاریکاتوریست : آسیه خلیلی**

سودوکو، مخفف عبارت ژاپنی "سوجی وا دوکوشین نی کاگیرو" به معنی «ارقام باید تنها باشند» است.
قانون اول: در هر سطر جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.
قانون دوم: در هر ستون جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.
قانون سوم: در هر ناحیه ۳x۳ جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

**علاقه‌مندان می‌توانند تحلیل خود را از این طرح به سامانه‌ی پیام کوتاه ۳۰۰۰۷۵۴۵ ارسال کنند.**
**به بهترین تحلیل جایزه‌ای ارزنده اهدا خواهد شد.**

طراح: حسین طارمیان

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | | 2 | 7 | | 9 | |
| | 2 | | 9 | | | | 6 | |
| | | | 6 | 8 | 1 | 7 | | |
| 1 | | 4 | | | | | | 2 |
| | | 2 | | | | 9 | | |
| 3 | | | | | | 1 | | 4 |
| | | 5 | 8 | 1 | 9 | | | |
| | 1 | | | | 3 | | 8 | |
| | 9 | | 4 | 7 | | | | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| 7 | 1 | | | 4 | | | 5 | 2 |
| | | 9 | 7 | | | | | |
| | | | | | 5 | | | |
| 9 | | 4 | 1 | | 2 | | 7 | 3 |
| | 3 | 7 | | 5 | | 6 | 2 | |
| 1 | 2 | | 6 | | 3 | 4 | | 9 |
| | | | | | | | | |
| | | | | | 7 | 2 | | |
| 5 | 8 | | | 3 | | | 4 | 7 |

# سلامت

# ایده های خاص برای ارائه دهندگان مراقبت از کودک برای کمک به کودکان معلول جسمی

ترجمه: بهناز ضبیحی

کار با کودکانی که دارای معلولیت جسمی هستند، برای ارائه دهندگان مراقبت از کودک نیاز به برنامه ریزی فکرشده دارد. کودکان دارای معلولیت جسمی برای مشارکت کامل در برنامه مراقبت از کودک ، خود نیاز به انواع و مقادیر کمک و پشتیبانی دارند.

ارائه دهندگان مراقبت از کودک احتیاج دارند از والدین، متخصصانی که با کودک کار می کنند، و یا خود کودک اطلاعاتی را دریافت کنند. این اطلاعات می تواند به ارائه دهنده مراقبت از کودک کمک کند تا برنامه های خاصی را برای قرار دادن کودک در برنامه مراقبتی انجام دهد.

## کمک کردن به کودکان برای مستقل بودن

کودکان دارای ناتوانی جسمی در وهله اول فقط کودک هستند. آنها مانند همه کودکان، در محدوده توانایی خود به فرصتهایی برای انتخاب و انجام کارها برای خودشان نیاز دارند. در حدود توانایی آنها در برابر وسوسه انجام هر کاری برای کودک مقاومت کنید. کمک های مناسب را ارائه دهید، اما کودکان را ترغیب کنید که خودشان سعی کنند کارها را انجام دهند. این ممکن است بدان معنی باشد که انجام کارهای روزمره و وظایف شخصی آنها می توانند کمی بیشتر زمان ببرند.

به یاد داشته باشید که انجام کارها به طور مستقل به کودکان کمک می کند تا اعتماد به نفس و استقلال در شخصیت شان شکل بگیرد. صبور باشید و تشویق شان کنید و به فرزندان دیگر نیز کمک کنید که همین کار را انجام دهند.

راههای خاص ارائه دهندگان مراقبت از کودک می توانند از کودکان معلول جسمی پشتیبانی کنند. در اینجا چند روش را با هم می‌خوانیم:

## حرکت در مناطق بازی را آسان کنید.

از مبلمان و تجهیزات سنگین و پایدار استفاده کنید که به راحتی نمی توان آنها را خراب کرد.

فرشهایی را که احتمال حرکت و بلند شدن دارند عوض کنید و یا نوار پایینی آنها را به زمین بچسبانید.

مبلمان و تجهیزات را به نحوی بچینید که فضای گسترده‌ای باقی بماند تا کودکان بتوانند آزادتر حرکت کنند.

اشیاء را ثابت نگه دارید. به عنوان مثال، کاغذها، ظرف هایی که کودک از آنها برای مخلوط کردن استفاده می کند یا بلوک های چوبی را به میز یا کف بچسبانید تا در حالی که کودک نقاشی می کند، ترکیب می‌کند، چکش کاری می کند یا به هر نوع فعالیت دیگری از این نوع مشغول می شود وسایل بر جای خود بی حرکت بمانند.

## محیط را با فعالیت های کودک سازگار کنید.

ابزاری را فراهم کنید که کودکان دارای ناتوانی حرکتی بتوانند از آنها برای گرفتن، نگه داشتن، انتقال و رها کردن استفاده کنند.

برای تحریک حس لامسه، مواد با بافت های مختلف - مانند خمیر بازی، تخته پارچه، روبان، مقوا راه راه و کاغذ ماسه را تهیه کنید.

مطمئن باشید مکان های فعالیت کودک به خوبی روشن هستند. در صورت نیاز لامپ ها را اضافه کنید.

برای کتاب خواندن کودک از نگهدارنده‌های کتاب استفاده کنید.

فعالیت هایی را برای کودک در نظر بگیرید که تشویق شود و تمام قسمت های بدنش را به حرکت دربیاورد.

تجهیزات ورزشی ساده و مختلفی را در دسترس کودک قرار دهید، مثل حلقه های هولاهوپ، انواع توپ‌ها و ...

برای انتخاب تمرین های ویژه برای کودک با والدین و متخصصان کار کنید و کل کلاس را ترغیب کنید که برخی از آنها را به عنوان بخشی از یک فعالیت گروهی بزرگ انجام دهند.

به همکلاسی های کودک آموزش دهید که چگونه به کودک معلول جسمی کمکِ کنند.

همبازی ها معمولاً مشتاق کمک به کودکان دارای معلولیت هستند، اما ممکن است بیش از حد کمک کنند. رفتارهای کمکی آنها را تشویق و تحسین کنید، اما همچنین به آنها بیاموزید که همکلاسی خود را ترغیب کنند تا جایی که ممکن است کارهایش را به تنهایی انجام دهد.

به کودکان بیاموزید که چگونه با احترام به آنها کمک کنند. آنها را ترغیب کنید که از کودک بپرسند که آیا کمک می خواهد، و اگر پاسخ او "نه" بود آن را بپذیرند.

کودکان را تشویق کنید تا روشهای خلاقانه ای برای گنجاندن کودک دارای ناتوانی جسمی در فعالیت های بازی خود پیدا کنند.

به عنوان مثال، انتقال دادن بلوک ها به میز ممکن است مشارکت یک کودک در ویلچر را آسانتر کند.

# به پدر و مادری که فرزندش با معلولیت متولد شده چه باید بگوییم

از هر پنج نفر یک نفر معلولیت دارد و بسیاری از ناتوانیها از جمله سندرم داون و سایر ناهنجاریهای کروموزومی، فلج مغزی، اسپینا بیفیدا، کوری و بسیاری دیگر از معلولیت ها می توانند در بدو تولد حضور داشته باشند یا بعد از مدت کوتاهی تشخیص داده شوند. بنابراین این احتمال وجود دارد که هر یک از ما یک دوست، عضو خانواده یا همکاری داشته باشیم که در این شرایط قرار بگیرد و مفید است در این باره فکر کنید که چه کلماتی را می توانید به اشتراک بگذارید.

اگر دوست یا اعضای خانواده شما نوزادی داشته باشند که از نظر پزشکی شکننده باشد و یا در NICU بستری شود و با جراحی و یا سایر اقدامات درمانی روبرو شود، احتمالاً والدین در حالت بحران قرار می‌گیرند. مهمترین چیزی که می توان به آنها گفت این است که "من اینجا هستم، در کنار شما." با آنها تماس بگیرید ، پیام دهید، پیشنهاد کنید که برایشان غذا به بیمارستان ببرید و از آنها بپرسید به چه چیز دیگری یا کمک دیگری خارج از بیمارستان نیاز دارند مثل کمک به سایر کودکانشان در خانه، مراقبت از حیوانات خانگی آنها به طور موقت و غیره

اگر دوست یا اعضای خانواده شما نوزادی داشته اند که سالم بوده است اما ناتوانی جسمی یا رشدی پیدا کرده است، می توانید بگویید که من به خاطر شما اینجا هستم و قصد دارم همراه شما درباره ناتوانی بیاموزم. اگر مطمئن نیستید که چه چیزی می تواند واقعا کمک کننده باشد صادق باشید. پدری که پسرش مبتلا به سندرم داون و اوتیسم است، مفیدترین چیزی را که یک دوست کمی بعد از تولد پسرش به او گفت، به یاد می آورد: من نمی دانم در این لحظه چه باید بگویم، اما شما را دوست دارم و فرزند شما را نیز دوست دارم. گوش شنوا باشید و مطمئن باشید که ترس و اضطراب خود را به دوستتان منتقل نمی‌کنید.

با خانواده جشن بگیرید

واقعیت این است، فرزندپروری با کودکی که دارای ناتوانی ست از آنچه شما فکر می‌کنید متفاوت‌تر است و پذیرش آن نیاز به گذر زمان دارد. آنچه دوست شما بیش از همه به شما احتیاج دارد این است که شما گوش فرا دهید، همچنان از آنها در مهمانی هایتان دعوت کنید و آنها را در رویدادهای اجتماعی بگنجانید، به طور مرتب بپرسید که چگونه می توانید به بهترین وجه به آنها کمک و از آنها پشتیبانی کنید.

یک هدیه به کودک جدید بدهید - لباس، یک عروسک حیوانی، پتو و هر چیزی که برای نوزادان هدیه می‌برند.

وقتی کودکی به دنیا می آید، رویاها و امیدهای تازه را جشن می گیریم. واقعیت این است که هیچ والدینی نمی داند آینده چه چیزی را برای کودک آنها خواهد داشت و این واقعیتی است کمی وحشتناک.

ما قربان صدقه‌ی کودکانی می‌رویم که رشد خواهند کرد تا با چالش های پیش پا افتاده و جدی روبرو شوند. اما این واقعیت را از ذهن دور می کنیم و بر معصومیت شیرین کودک تمرکز می کنیم.

وقتی کودکی با معلولیت متولد می شود، چالش هایی که با آنها روبرو خواهد شد فوراً آشکار می شود - و این مواجهه برای همه ترسناک است. اما همانطور که ما به عنوان یک جامعه، قصد داریم زندگی پیچیده و معنادار معلولان را بهتر درک کنیم نمایش های تلویزیونی، کتاب ها، فیلم ها و هنرها ما را با تجربیات آنها آشنا می‌کنند و ما را متعهد کرده و به سمت ایجاد جوامع فراگیر سوق می دهند. امیدوارم روزی برسد که هر کودکی که وارد جهان می شود به خاطر چیزی بیش از ناتوانی خود دیده شود.

ترجمه: بهناز ضبیحی

ترجمه معصومه آمِدی

# استخر ویژه معلولیت در «بریزبن»

در سراسر «بریزبن» (شهری در استرالیا) ۲۲ استخر شنای شورای شهر بریزبن وجود دارد که امکانات بسیار خوبی برای خانواده‌ها فراهم می‌کند تا در یک روز گرم از تفریح، تناسب اندام و خنک شدن لذت ببرند.
بسیاری از این استخرها در دسترس افراد دارای معلولیت است و امکاناتی از قبیل فضای تغییر جا، رمپ‌ها یا بالابرها را در اختیار افراد قرار می‌دهد. سایر استخرهای بدون این امکانات در آینده نزدیک، دستخوش ارتقا خواهند شد.

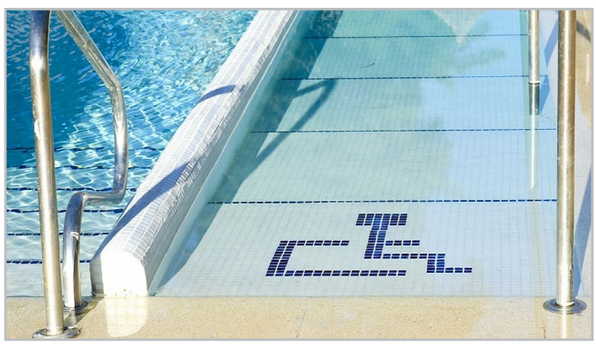

# بالابر جمع و جور

این بالابر علاوه بر کم‌جا بودن و صرفه‌جویی در فضا، کاربردی ساده دارد و به آب یا باتری هم نیاز ندارد. دارای تسمه با ظرفیت بالاست و بدون موتور و باتری کار می‌کند و دسترسی آسان به استخر دارد.

ترجمه معصومه آمِدی

# ویلچر آبگرد

ویلچر آبگرد محبوب‌ترین ویلچر ساحلی شناور است! طوری طراحی شده که تجربه ایده‌آل در فضای باز را برای همه کاربران ویلچر فراهم می‌کند! کاربران با اطمینان و به راحتی از ساحل، اقیانوس، دریاچه، آبشار و استخر لذت می‌برند. ویلچر آبگرد با استفاده از دسته‌های صندلی و تایرهای شناور، به راحتی فرد را از ساحل به آب منتقل می‌کند.

کاربر می‌تواند هنگام استراحت با ویلچر آبگرد از اقیانوس یا استخر لذت ببرد. به راحتی از جایی به جای دیگر حرکت کند.

حرکت با ویلچر آبگرد به خوبی مطابق با خواسته کاربر طراحی شده، به راحتی روی سطوح صاف یا ماسه‌ای می‌رود. قسمت جلوی آن از جنس استیل ضد زنگ، هر شوکی را جذب می‌کند و بسیار بادوام است.

ویلچر آبگرد به راحتی قابل حمل و تجهیز است و در عرض چند دقیقه سرهم و جداسازی می‌شود. قابلیت تاشو بودن ویلچر موجب می‌شود به راحتی در هر وسیله نقلیه یا فروشگاهی تا استفاده بعدی جا شود.